

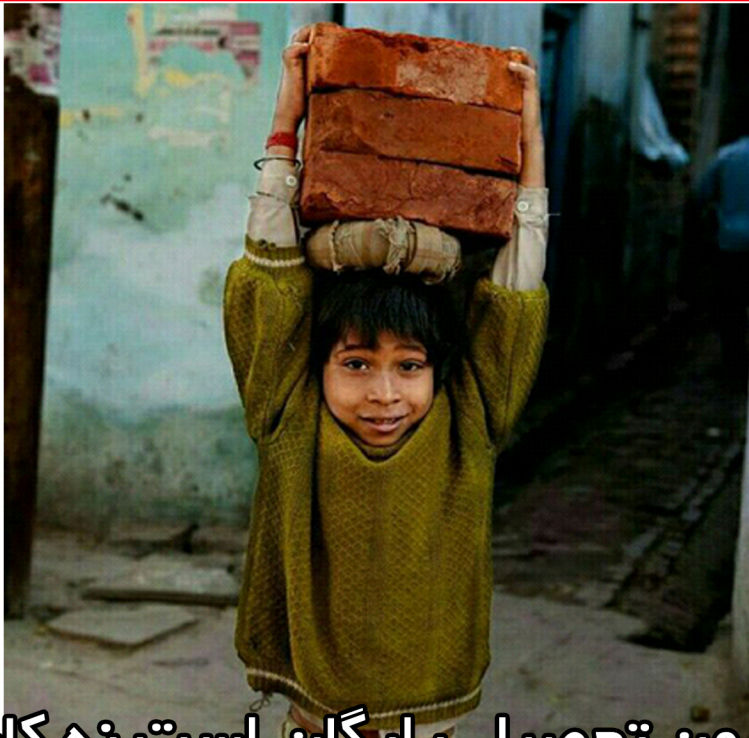
پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۸۲ / سال نهم / مهر ماه ۹۸ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



حق من تحصیل رایگان است نه کار!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۷۹ تیر ماه ۱۳۹۸ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

نهمین سال تولد پیام سندیکا شادباش! ص ۱

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۲

گزارشات کارگری از سراسر کشور ص ۱۰

جرا در مبارزات صنفی اخلاقی و منطقی را فراموش کردیم!! ص ۲۷

فصل نامه امید، منتشر شد! ص ۲۹

نگرانی عمیق کارگران از واگذاری بانک رفاه در بورس ص ۳۰

بازگشایی مدارس را تبریک نمی گویم؛ به هفت دلیل! ص ۳۴

تحصیل رایگان چیست؟ ص ۳۶

در انتخابات کانون بازنستگان تهران چه گذشت؟ ص ۳۷

ضرورت تامین مسکن برای بازنستگان کارگری ص ۳۹

ماناست راهت، دختر آبی سرزمینم! ص ۴۲

ورزش حق کارگران است! ص ۴۳

از کار کارگران کاخ ساختن و... ص ۴۴

وقتی سهم زنان از تامین اجتماعی به «هیج» می رسد! ص ۴۵

اخلاق کارگری من! ص ۴۸

شعر کارگری، شلغم بخور ص ۴۹

جرا با خصوصی سازی مخالفم! ص ۵۱

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی ص ۵۳

پویش: نه سیگارت را با خودت ببر ص ۵۴

جرا سندیکاهای کارگری با تئولیر ایسم مخالفند؟ ص ۵۷

تاریخچه جنبش سندیکایی ص ۵۸

پیدایش حیات ص ۶۰



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

نهمین سال تولد پیام سندیکا شادباش!

۹ سال پیش در ۱۰ مهر ۱۳۹۰ ماهنامه نشریه پیام فلزکار منتشر شد، که بعدها به پیشنهاد ابراهیم مددی رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران تغییر نام داد تا پیام آور همه سندیکا‌های کارگری شود. در آن سال هیچ گمانمان نبود که چنین جان سخت باشیم اما استقبال کارگران و هواداران سندیکا‌های کارگری ما را در عزم مان راسخ تر نمود. امروز خوشحالیم که پیام سندیکا به وظایف کارگریش عمل نموده و به صدای رسای کارگران، دهقانان، زنان، کودکان ایران تبدیل گشته است.

تمام تلاش خود را نمودیم تا منعکس کننده مبارزات و خواسته های جنبش کارگری باشیم و آن را به گوش همه مردم ایران برسانیم. تلاش کردیم آموزش مفاهیم کارگری را در حد امکان به میان کارگران برده تا به دانش زحمتکشان کمک کرده باشیم. با تلاش کارگران و دوستداران نشریه، پیام سندیکا نه تنها به بسیاری از شهرها راه پیدا کرده و میهمان همیشگی خانواده های کارگری شده است بلکه کوشندگان کارگری، آن را به روستاها هم می برند. هرچند در این راه بارها اعضای هیات تحریریه به زندان افکنده شدند اما صدایش قطع نشد و به زندگیش ادامه داد و هر ماهه بدون وقفه به دست خوانندگانش رسید.

از همه کسانی که در این بازه زمانی به بهبود کیفیت نشریه کمک مان کرده و یا با رساندن آن به کارگران به نشریه یاری نموده و یا با دادن اخبار کارگری نشریه را پر بار کردند، دست شان کارگريشان را می فشاریم. از پدران سندیکایمان که ما را از نلغزیدن به بیراهه یاری نمودند و پیام سندیکا را به پرچم همیشه در اهتزاز کارگران تبدیل کردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

۹ سال تلاش و استقامت و همراهی کارگران بر جنبش کارگری شادباش!

از حق مان کوتاه نخواهیم آمد!

کارگران به جان آمده هپکو اراک که در اعتراض به حقوق معوقه خود و تعیین تکلیف وضعیت سهامداری شرکت روز ۲۵ شهریور برای شنیده شدن صدای اعتراض شان، خط راه آهن را مسدود کرده بودند با برخورد خشن پلیس روبرو گردیدند. عدم پاسخگویی مسولان و بی اعتنایی به مشکلات این کارخانه خشم ۹۰۰ کارگر این کارخانه را برانگیخته است. حمله گارد ویژه به کارگران ۱۵ زخمی و ۲۸ بازداشتی به همراه داشت و حتا تلاش‌های خبرنگار ایلنا برای تماس با مقامات استان مرکزی در ارتباط با بازداشت کارگران معترض هپکو تاکنون بی نتیجه مانده است و همه یا وقت ندارند و یا اینکه از این حادثه خبر ندارند.

ما در اطلاعیه ۱۷ شهریور گفتیم که از مبارزه دست نخواهیم کشید! و اعلام کردیم که: «به نظر ما امنیت ملی رفاه کارگران است و توزیع درست ثروت، نه آفازاده های تن پرور. امنیت ملی ما هستیم که سینه امان سپر هر متجاوزی به خاک و عدالت انسانی است. امنیت ملی نان سرسفره هاست. امنیت ملی دربند کردن اختلاسگران است. امنیت ملی نبود کودکان کار و زن تن فروش است. آقایان مسولین، مبارزه باندی با فساد و مافیا کارساز نیست، باید زبان افشاگر کارگران را رساتر کرد. ریشه فساد در پنهان کاری و تاریکخانه هایی است که سندیکاهای کارگری برای شفافیت این تاریکخانه ها نورافکن اتحاد و اعتصاب را در دست گرفته اند. نپرداختن حقوق چند ماهه کارگران جز با همدستی مسولین قانون گریز امکان پذیر نمی باشد».

آیا اینگونه برخوردها حامل این پیام نیست که آموزگاران بترسند و از اعتراض به بی عدالتی ها در زمان باز شدن مدارس دست بکشند؟ بی تردید این برخوردها حامل این پیام به کارگران است که گرسنگی بکشید اما اعتراض نکنید. در روزهایی که جغد جنگ در آسمان کشورمان در حال پرواز است این برخوردها به نفع چه کسانی است؟؟ چرا می خواهند طبقه کارگر را به سوی دلسردی و بی تفاوتی نسبت به مسایل کشور ببرند؟؟؟

آنچه مسلم است بی عدالتی منجر به اعتراض می شود و اگر مسوولین می خواهند صدای این اعتراض ها را نشنوند باید بی عدالتی را رفع کنند. ما ضمن حمایت از خواسته های کارگران هپکو خواهان آزادی همه کارگران بازداشتی و زندانی طبقه کارگر و هوادارانش هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۶ شهریور ۱۳۹۸



سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ایمان دارد:

◆ بهبودی وضعیت طبقه کارگر تنها با دفاع از منافع طبقاتی کارگران و مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی، تشکیل سندیکاهایی مستقل و مبارزه‌ای متحد علیه برنامه‌های اقتصادی ضدکارگری، ممکن خواهد بود.

ضرب و جرح، بازداشت و پرونده سازی برای کارگران زحمتکش هیکو اراک را محکوم می‌کنیم!

تهاجم خشونت بار پلیس به اعتراض مسالمت آمیز کارگران هیکو اراک و خون‌آلود شدن کارگران توسط عوامل امنیتی، سرکوب سختی دیگر به کارگران و مزدبگیران طی یکسال گذشته را رقم زد. در این سرکوب خشونت بار بسیاری از کارگران کارد به استخوان رسیده ضرب و جرح و ۲۹ تن از آنان بازداشت و برای خفه کردن صدای کارگران و فشار بیشتر بر بازداشت شدگان برایشان پرونده های امنیتی و قضایی گشوده شد. از میان بازداشت‌شدگان ۲۱ یک نفرشان با کفالت و تعهد آزاد و ۸ نفرشان همچنان در بازداشت هستند.

آنچه موجب سیه روزی امروز کارگران شده است پیشبرد سیاست نئولیبرالی از جانب دولت و خصوصی سازی و سود اندوزی برای سرمایه داران است که نتیجه اش تورم افسار گسیخته، به تعویق افتادن حقوق ناچیز کارگران برای ماه‌ها، از بین رفتن امنیت شغلی کارگران و نبود شرایط مناسب خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت، درمان برای کارگران و طبقه فرودست بوده است. این ظلم و ستم آشکار و نادیده گرفته شدن حقوق اولیه و کرامت انسانی کارگران توسط نظام سرمایه داری حاکم است که اعتراضات کارگران را در شهرهای مختلف گسترده تر کرده است. اما به جای چاره‌جویی و رسیدگی به فریاد حق خواهی کارگران، با باتوم، شلاق، زندان، تبعید، ظلم و ستم بر کارگران و سایر مزدبگیران را مضاعف کرده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تهاجم ناجوانمردانه به کارگران هیکو اراک و ضرب و جرح و بازداشت آنان را محکوم می‌کند و نسبت به ظلمی که به کارگران می‌رود هشدار می‌دهد و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران هیکو اراک و دیگر کارگران و معلمان زندانی می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۳۱ شهریور ۹۸

احکام صادره زندان و شلاق علیه نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه و فعالین کارگری را قویا محکوم می کنیم!

درحالی شاهد محکومیت های سنگین و ظالمانه علیه نمایندگان کارگران هفت تپه و فعالین کارگری و مدنی هستیم، که ناکارآمدی مدیریت اجرائی در کشور باعث از بین رفتن حداکثری قدرت خرید کارگران و فرودستان شده است بطوری که حقوق کارگران امروز تامین کننده حتی، حداقل ترین هزینه های خوراک، پوشاک، مسکن و درمان نمی باشد.

تورم و گرانی افسارگسیخته و فساد های گسترده و رانت مسئولین، زندگی سخت و مصیبت باری را برای کارگران زحمتکش رقم زده است و مسئولین و مدیران اجرائی بجای پاسخگوئی به بی عدالتی هایی که در مورد کارگران صورت می گیرد از جمله عدم پرداخت دستمزد حداقلی که تا ماهها از سوی کارفرماها پرداخت نمی شود و فاصله دستمزد کارگران با هزینه های حداقلی زندگی، سر به فلک کشیده است.

اما باز هم بجای دادخواهی و رسیدگی به فریاد اعتراض کارگران که چیزی جز حقوق عقب افتاده شان نبوده، متاسفانه کارفرما و عوامل امنیتی و سیستم قضائی با بهره برداری از امکاناتی که در اختیار دارند درصدد خاموش کردن صدای اعتراض کارگران و جامعه مدنی، اقدام به صدور احکام ظالمانه و ناعادلانه علیه این فعالین می کنند که اخیرا درمورد اسماعیل بخشی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب ۱۴ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق و محمد خنیفر ۶ سال زندان و سپیده قلیان ۱۸ سال و اعضای نشریه گام هرکدام ۱۸ سال زندان صادر شده است. در همین زمینه در ماه گذشته تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد از جمله آقایان حسن سعیدی و سید رسول طالب مقدم، مرضیه امیری، نسرین جوادی، عاطفه رنگریز، ندا ناجی و ناهید خداجو از حامیان کارگران در اعتراض به وضعیت سخت معیشتی کارگران ازسوی

دادگاه انقلاب به حبس های سنگین و ناعادلانه محکوم شدند که در حال حاضر منتظر رای دادگاه تجدید نظر هستند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اینگونه احکام ظالمانه و غیر انسانی را قویا محکوم می کند و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان کارگری و روزنامه نگار و فعالین مدنی است و از سیستم امنیتی و قضایی می خواهد بجای تعقیب کارگران و نمایندگان آنان، بهتر است عاملین فساد و رانت گسترده که باعث فقر و تورم و بیکاری و افزایش جرم و بزهکاری را در جامعه فراهم کرده مورد تعقیب و بازداشت و زندان قرار دهند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۲ شهریور ۹۸



منشور حقوق سندیکایی کارگری

کارگران حق دارند: سندیکاهای کارگری تشکیل دهند، به سندیکاهای موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند.

از مبارزه دست نخواهیم کشید!

۴۱ تن از کارگران فولاد اهواز به دادگاه احضار شدند. اینان کارگرانی هستند که به خصوصی سازی رانت خورانه، عقب افتادن دستمزدها و بسته شدن کارخانه اشان اعتراض کرده بودند. همچنین ۹ تن از کارگران هفت تپه به ۸ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند. اینان نیز به فروش کارخانه آن هم بدون ضابطه و غیرکارشناسی و عقب افتادن دستمزدهایشان معترض بودند.

این جدای از احکام سنگین صادره برای اسماعیل بخشی و علی نجاتی و جوانان دوستدار طبقه کارگر است که به بیش از ۱۱۰ سال زندان محکوم شدند و کارگرانی که در اول ماه مه امسال در تظاهرات روبروی مجلس دستگیر شده و آواره دادگاهها هستند.

هم زمانی کوفتن بر طبل مبارزه با فساد و فراگیرتر شدن فساد در بین مسوولین، با این احکامی که برای کارگران صادر می شود چیست؟؟ کارگرانی که برای باز نگه داشتن صنایع کشور و افشای رانتخواری مافیا قد علم کرده اند و باید «دستشان را بوسید» به شلاق و زندان های ۱۸ ساله باید محکوم شوند؟ پیام این احکام برای کارگران چیست؟ جز اینکه حقوق عقب افتاده خود را طلب نکنید و گرسنگی بکشید تا در لواسان کاخ ها سر به فلک بکشد؟ جز اینکه مافیا باید صنایع کشور را ورشکسته کند تا آقازاده ها با خیالی آسوده به دلالی بپردازند و پورشه سوار شوند و کارگر هم حق اعتراض نداشته باشد و اگر اعتصاب کرد و معترض شد به ۱۸ سال زندان محکوم شود؟

در احکام صادره برای کارگران و دوستدار طبقه کارگر قید شده است «اقدام علیه امنیت و تبلیغ علیه نظام» افشای غارتگران و به خطر انداختن امنیت مافیا و دزدی هایشان از کی تبلیغ علیه نظام شده است؟ آیا اسد بیگی ها نظام تلقی شده اند؟ فریاد کار، نان و قطع دست اختلاسگران امنیت چه کسانی را به مخاطره انداخته است؟ به نظر ما امنیت ملی رفاه کارگران است و توزیع درست ثروت، نه آقازاده های تن پرور. امنیت ملی ما هستیم که سینه امان سپر هر متجاوزی به خاک و عدالت انسانی است. امنیت ملی نان سر سفره هاست.

امنیت ملی در بند کردن اختلاسگران است. امنیت ملی نبود کودکان کار و زن تن فروش است.

آقایان مسوولین، مبارزه باندی با فساد و مافیا کارساز نیست، باید زبان افشاگر کارگران را رساتر کرد. ریشه فساد در پنهان کاری و تاریکخانه هایی است که سندیکاهای کارگری برای شفافیت این تاریکخانه ها نورافکن اتحاد و اعتصاب را در دست گرفته اند. نپرداختن حقوق چند ماهه کارگران جز با همدستی مسوولین قانون گریز امکان پذیر نمی باشد.

اگر اسماعیل عبدی ها آزاد باشند مدرسه ها خصوصی نخواهد شد و آموزش رایگان همه گیر خواهد بود و آموزگاران از زندگی خوبی برخوردار خواهند شد. اسماعیل بخشی ها جز مبارزه با فساد و رفاه کارگر چیز دیگری نمی خواهند. کارگران هپکو و فولاد اهواز، آذرآب، ذوب آهن، ایران خودرو، صنایع نفت و پتروشیمی آیا خواسته ای جز توقف فروش کارخانه هایشان و قطع دست رانتخوران مافیایی دارند؟ بازنشستگانی که با سالها مرارت اندوخته ای گرد آورده اند تا سر پیری زندگی بی دغدغه داشته باشند باید معترض فروش اموالشان به دست مسوولین ناکارآمد باشند تا بانک رفاه شان را نفروشند.

این سیستم فساد پرور باید تغییر کند. کارگران از حق انسانی خود و منافع ملی اشان نخواهند گذشت و برای این پیکار ۱۸ سال که هیچ، از بذل جان و جوانی اشان نیز دریغ نخواهند ورزید. برادران و خواهران کنشگر ما باید آزاد شوند تا جامعه روی سعادت ببیند.

تا پای جان از دوستان دربندمان حمایت کرده و مبارزه را ادامه خواهیم داد. از فدراسیون جهانی ایندستریال می خواهیم با تمام توان همراه ما و یاران دربندمان باشند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۳۹۸/۶/۱۷

درسی از مبارزات کارگران هپکو

کارگران هپکو با وجود برخورد خشن پلیس و دستگیری و مجروح شدن بخشی از کارگزارانش توانست هپکو را از دست مافیای مالی که خواهان نابودی صنعت کشور است، در آورده و حقوق عقب افتاده اش پرداخت گردد.

اما دستاوردی که این بار کارگران اراکی و هپکو در مبارزات کارگری خود بدست آوردند، که بارها توسط سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و هیات تحریریه پیام سندیکا گفته شده بود، ارزشمندترین حرکت کارگری جنبش کارگری امسال است.

اعلام همبستگی کارگران آذربایجان و دیدار این کارگران با کارگران معترض هپکویی نقطه عطفی است که در جنبش کارگری ماندگار خواهد بود و می توان فقط با اعتصاب سندیکای کارگران شرکت نفت در سال ۵۷ در فردای روز کشتار ۱۷ شهریور مقایسه نمود.

دیدار کارگران کارخانه آذربایجان با برادران هپکویی اشان پیامی هوشمندانه به پلیس سیاسی بود. آنان با دیدارشان اعلام کردند که کارگران هپکو از حمایت آنان برخوردارند. حمایتی به موقع که پلیس سیاسی را به عقب نشینی واداشت.

این حرکت کارگری باعث هرچه مستکم تر شدن مبارزات کارگری شد و پیروزی کارگران هپکو در مقابل مافیای مالی رارقم زد.

درود بر جنبش کارگری

گسترده تر باد همبستگی کارگری

تحریریه پیام سندیکا

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن

۱- معوقات کارگران ذوب آهنی را بپردازید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با توجه به تورم ۵۰ درصدی و گرانی بیش از حد کالاها متأسفانه مدیران شرکت ذوب آهن از پرداختن به موضوع پرداختی های عقب افتاده کارگران طفره می روند و این باعث شده که کارگران دریافتی هایشان نسبت به کارکردشان کاهش داشته باشد هر چند که سخت تلاش می کنند. لذا آنان خواهان پرداخت هرچه سریعتر موارد زیر هستند:

- ۱- پرداخت پاداش مناسب برای کارهایی که موجب کاهش در هزینه ها می گردد.
- ۲- تسریع در تصویب مشاغل سخت و زیان آور مدیریت های باقی مانده در سطح شرکت
- ۳- محاسبه و پرداخت ضریب شایستگی پرسنل در سال ۹۷ و تسریع در پرداخت معوقات سال ۹۷
- ۴- پرداخت کمک هزینه تحقیقات و پروژه های مرتبط با شرکت
- ۵- پرداخت خارج از مرکز کارکنان

۲- مدیریت ذوب آهن باید مشکلات کارگران را رفع کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با توجه به مشکلات و اعتراضات کارگران جلسه ای با مدیریت منابع انسانی در جهت بهبود فرایند خدمت رسانی به کارگران و کارکنان در ۱۳ مرداد در سالن جلسات مدیریت کوره بلند برگزار شد. کارگران در این جلسه نظر مدیریت را به سوودهی ذوب آهن که با تلاش کارگران محقق شده است جلب کرده و خواستار بازسازی کارخانه شدند که از جمله موارد زیر را مطرح کردند: ۱- برنامه ریزی جهت به کار گیری نظافت صنعتی و همچنین رفع مشکلات سیستم ساختمان آزمایشگاه کک و مواد شیمیایی ۲- رفع مشکلات سیستم سرمایشی نیروگاه توربین بخار و بازسازی سرویس های بهداشتی انبارهای مرکزی ۳- وضعیت بیمه تکمیلی دانا مطلوب نیست و باید به سرعت به این موضوع رسیدگی شود چرا که قرار بوده با رفتن بیمه آسیا مشکلات کارگران کمتر شود نه زیادتز.

۳- اعتراضات کارگران نتیجه داد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن اصفهان، با اعتراضات مکرر کارگران در مورد دوری راه از خانه تا سرکار و همچنین سرویس های قدیمی رفت و آمد که به خستگی مضاعف کارگران منجر شده و کارگران با تنی خسته و کوفته به سرکار می رسیدند و این اعتراضات را بارها به مدیریت کارخانه ابراز کرده بودند، مدیریت تصمیم گرفت به منظور کم کردن فاصله تردد کارگران به محل کار و صرفه جویی در هزینه های کارخانه ذوب آهن ساخت ۱۰۰۰ واحد مسکونی برای کارگران را به تازه گی در دستور کار مدیریت قرار دهد.

تحریریه پیام سندیکا این پیروزی را به کارگران تبریک گفته اما متذکر می شویم که پیگیری خواسته ها و نظارت بر عملکرد مدیریت همیشگی باید باشد تا خواسته ها جامه عمل بپوشند.

۴- مدیریت به رفع مشکلات خدمت رسانی اقدام کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در ذوب آهن، کارگران می گویند با توجه به سودآور شدن کارخانه مدیریت چرا از رفع مشکلات کارگران شانه خالی می کند. به عنوان نمونه: ۱- رسیدگی به کیفیت غذای رستوران الگومراسیون ۲ - رفع مشکل توزیع پذیرایی و شیر شیفیت فولادسازی ۳ - بازسازی سرویس بهداشتی های انبار مرکزی درب راه آهن ۴ - رفع مشکل سیستم سرمایشی نیروگاه ۵ - نظافت صنعتی و رفع مشکلات سیستم سرمایشی ساختمان کک و مواد شیمیایی ۶ - رفع مشکل توزیع لباس پرسنل راهبری ماشین آلات

حادثه در شهرک صنعتی ساوه

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز پنجشنبه ۴ مهر در یکی از کارخانه های شهرک صنعتی ساوه کارگری به درون قیف سقوط کرد و مصدوم شد. با انتقال کارگر مصدوم به بیمارستان مشخص شد که چندین قسمت از بدنش دچار شکستگی شده است.

عدم وجود حفاظ مناسب و همچنین عدم وجود افسران ایمنی در کارخانه ها که برای صرفه جویی صورت می گیرد این حوادث را رقم زده و خواهد زد.

در هفت تپه چه خبر است؟



۱-مشاجره بین مدیرحسابداری شرکت نیشکر با یکی از کارگران باعث وخامت حال کارگردد.

صبح امروز پنجشنبه تعداد زیادی از کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه بدلیل پرداخت نشدن حقوق تیرماه ؛ امضا نکردن احکام شغلی و پرداخت نشدن دوماه دیرکرد مابه التفاوت معوق مشاغل بندی، مطابق آخرین حقوق در مقابل حسابداری شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند

کارگران جهت پیگیری این موضوع به مدیر حسابداری شرکت عبدالنبی محول که فردی بازنشسته است مراجعه کردند که بدلیل جواب سربالای ایشان موجب مشاجره لفظی بین ایشان و کارگران گردید که یکی از کارگران بدلیل مشکل قلبی بیهوش شده و به درمانگاه اعزام گردید و محول نیز با کمک نیروی انتظامی از دفتر گریخت. با ورود امیر اسدبیگی قائم مقام مدیرعامل به شرکت بین ایشان و یکی از همکاران که از ایشان در مورد حقوق معوق خود سوال

کرده بود درگیری لفظی در گرفت و ایشان بدستور اسدبیگی به شرکت ممنوع الورد شدند.

پرداخت حقوق کارگران درحالی معوق شده است که محول مدیر حسابداری و صابریان با حقوقهای بیش از ۳۰ میلیونی و حق ماموریت زیاد بار مالی زیادی بر شرکت وارد کرده و در کمال تعجب دم از کاهش هزینه ها و اضافه کاریهای کارگران میزنند.

محول علاوه بر دو شغله بودن مدیر پروازی نیز هست و ناکارآمدی ایشان باعث بار مالی سنگین جریمه های مالیاتی و پرونده های مالی بسته نشده و بلاتکلیف گردیده است.

۲- از نیشکر هفت تپه خبرهای خوبی به گوش نمی رسد؟

طبق اخبار منتشره متأسفانه واگذاری کارخانه خوراک دام بصورت استیجاری به آقای موسوی صورت گرفته است. این فرد از طلبکاران عمده شرکت نیشکر هفت تپه می باشد. این فرد پس از تحویل شرکت در یک اقدام غیرمنتظره عدم نیاز حدود ۳۵ نیروی با تجربه و با سابقه این شرکت را اعلام نمود تا توسط مدیریت در بخشهای دیگر شرکت بدلیل داشتن قرارداد ششماهه مشغول بکار شوند. این افراد طبق قانون کار کارگر شرکت محسوب شده و تاکنون نیز مدیریت شرکت هفت تپه تصمیمی درمورد درخواست آقای موسوی اعمال ننموده است و کارگران نیز در محل کار خود حاضر می شوند. مدیریت شرکت هفت تپه به دلیل چالشهای امنیتی و اعتصابات کارگری بعید است با این تقاضای مالک جدید خوراک دام موافقت نماید.

ضمناً لازم به ذکر است که شورای اسلامی کار در این قضیه هیچگونه عکس العملی انجام نداده و به دلیل تهدیدات امنیتی و قضایی کلا مدتی است منفعَل شده و تقاضای استعفای برخی از اعضای آن نیز تاکنون پذیرفته نشده و فقط در حال حاضر اسمی از شورا را یدک می کشند.

۳- اطلاعیه پرسنل رسمی شرکت نیشکر هفت تپه

بنام خدا

اینجانبان پرسنل رسمی شرکت فایل صوتی جلسه زد و بند نماینده مدیریت شرکت با تعدادی از اعضای خائن و مزدور شورای اسلامی کار در تهران را شنیدیم شورایی که قبلا طی جلسه ای اشکارا در تهران هدایایی از دست کارفرما گرفته بودند و اکثر این افراد اعضای مجمع نمایندگان بودند که مهندسی شده توسط امیراسدبگی و بیرانوند انتخاب شدند.

همکاران، پست ترین، ناجوانمردانه ترین و غیراخلاقی ترین عمل، خیانت به کسی است که شما را وکیل خود جهت پیگیری حق خود می گمارد. همکاران، شما همه در این خیانت بی سابقه در تاریخ جامعه کارگری شرکت نیشکر سهیم هستید و در عین سادگی به کسانی اعتماد کردید که نه سواد و دانش داشتند و نه تجربه و نه اعتقادی به رعایت اخلاق و جوانمردی. دوستان نباید از حرکت کثیف، اختلاف افکن مجموعه مدیریت و شخص امیراسدبگی و محمدبیرانوند به سادگی گذشت. کارفرما با خریدن این افراد با نان خشکی که وزن و شخصیت آنها در همین حد است بدنبال پایمال کردن حقوق پرسنل بود این افراد خیانتشان باعث شده که طرح همسان سازی مزایا که نامه آن از اداره کار به شرکت و شورا ارسال شده است معلق مانده و هر کارگر ماهیانه حدود ۷۰۰ هزار تومان حقوقش کاهش داشته باشد. این افراد همان کسانی هستند که به همکار شجاعان اسماعیل بخشی خیانت کردند و در روزهای آخر مبارزات اسماعیل از آنها برائت جست. همگان جلسات مخفیانه دوقلوهای خیانتکار منصوری و عظیم سرخه در منزلی شخصی با ایوب اسدی و دکه کنار جاده را که منجر به دریافت بیست میلیون تومان در قبال برباد دادن ناموس کارگر با مطرح کردن جمله معرف خلاف واقع (لباس زیر) نگذشته است که این خیانت بزرگ سربرآورد.

دوستان کارگر به خصوص تازه کار، شما تفکر تان کوچک بود که پشت افراد کوتوله و پست قرار گرفتید و روز به روز بر سفره خانواده خود خیانت کردید

دوستان مگر آقای مهندس کاظمی کم شخصیتی از نظر اخلاقی و دانش بود که این افراد با هماهنگی مزورانه خود با کارفرما آن را برکنار کردند. باید مشخص شود چه تعداد و چه مبلغی این افراد و تعدادی دیگر با معرفی محمدبیرانوند از بانک انصار به خصوص شعبه شوش وگنوند وام گرفتند و چرا اینقدر بیرانوند (ممدتوطئه) به منصورپو سرخه شعبان بی مخ ها علاقمند است. دیگر اعضای شورا نیز باید جوابگو باشند که چرا در برابر این اقدامات به عنوان مطلع ترین افراد سکوت کردند که گناهی کمتر از اقدامات آنها نیست !!! ظاهراً این افراد رفت آمد زیادی به حسابداری و مراجعه به علی تمیمی و عبدالنبی محول داشتند این افراد برای کارگران نکات تاریک این روابط را روشن کنند تا اذهان پرسنل روشن شود که آیا در افزایش حقوق و پرداختی هایشان خلاف عرف اقدامی نشده باشد. اسم بردن از علی تمیمی در فایل صوتی پخش شده این ذهنیت را ایجاد می کند این فرد بازنشسته که استاد نانبری است اقداماتی در جهت پایمال کردن حقوق کارگر با هماهنگی شورا و مدیریت انجام می دهد!!!!!!

درد یکی نیست بگذارید همکاران موضوع را وسعت بدهیم : بیرانوند و امیراسدبیگی حتی در دنیای مجازی نیز با همکاری و خیانت مسعودکثیر به تشکیل کانال اتحادبزرگ کارگران که در واقع کانال اتحاد کارفرما و خائنین است اقدام نمودند تا رقبای خود در مجموعه مدیریت و کارگران مخالف را از صحنه بدر و خراب کنند. کارگران ساده دل هم با عضویت در آن کانال به دام نقشه آنان افتادند. نشان به این نشان که در این کانال کمترین انتقادی به امیراسدبیگی و بیرانوند می شد و می شود!!!!!!

کارگر عزیز بخصوص جوان، هوشیارباش از احساسات پاک شما در جهت اهداف شوم و کثیف استفاده ایزاری و میدانی نشود. در پایان بی صبرانه و مجدانه خواهان استعفای تمام اعضای شورا و در غیر این صورت باطل کردن اعتبارنامه آنها توسط اداره کار با پیگیری حراست و پرسنل هستیم در غیر این صورت با تجمع و امضای طومار، پرسنل راسا اقدام خواهند کرد.

زنده باد شرافت و صداقت و مردانگی ؛ ننگ باد خیانت به سفره خالی کارگر

۴- هفت تپه این روزها!

چند روزی در هفت تپه اعتصاب بود این بار بخاطر خیانت نمایندگان شورای اسلامی کار و زد و بند جهت پایمال کردن مطالبات صنفی کارگران.

پس از اعتصاب سراسری کارگران شرکت جهت خلع ید از کارفرمای بخش خصوصی حالا کارگران بخاطر اشتباه در نحوی مبارزات خود و دل بستن به تعدادی نماینده در قالب شورای اسلامی تحمیلی کار خواهان خلع کسانی شدند که جهت بدست آوردن مطالبات خود به آنها دل بسته بودند. در هر حرکت کارگری اگر نمایندگان خوبی انتخاب نشوند و یا قانونی مناسبی تدوین نشود که خواست معترضین را تامین نکند آن حرکت به انحراف رفته است.

حالا کارگران شرکت نیشکر هفت تپه نیز متوجه شدند شورای اسلامی کار چه از نظر شخصیت حقوقی آن و چه شخصیت خصوصی آن یعنی نمایندگانی که در این قالب قرار می گیرند ناکارآمدیشان ثابت شده است و راه نجات کارگر تشکل مستقل کارگریست. اکثر کارگران شرکت دارای میانگین سوابق شغلی حدود سه سال را تجربه می کنند و به همین خاطر زود اعتراض می کنند و زود هم بدلیل عدم آگاهی مبارزاتی اصولی توسط افراد معلوم الحال و فرصت طلب خارج شرکت به انحراف و حاشیه کشیده می شوند. کارگر امروزی نیشکر قدرت حرکت دارد ولی بدلیل بی تجربه گی و نداشتن طرح و برنامه مناسب و هدمندی برای مبارزه زود آتشی و زود سرد می شوند. این کارگران نیاز به استفاده از تجربه کارگران با تجربه سندیکایی دارند تا به آنها آگاهی مبارزات سندیکایی را بدهند. یکی از دلایلی که در اعتصابات اخیر کارگر نیشکر هزینه زیاد پرداخت می کند همین موضوع است. صرف نظر از اینکه حکومت این روزها با شدت هرچه تمامتر از نظر امنیتی و قضایی با کارگر برخورد می کند. ما تاکنون به نتایج ملموسی از حقوق معوق خود مانند همسان سازی مزایا نرسیدیم و اکثرا خواسته کارگران بدلیل بحث های انحرافی به حاشیه کشیده شد.

در نهایت پس از اعتصابات یک هفته اخیر، کارگران خواهان انحلال شورا هستند و بنابر اخبار واصله ظاهرا در کمیسیون استانی اعتبارنامه دو عضو شورا در حال بررسی مجدد و احتمالا ابطال است و این افراد به شرکت ممنوع الورد هستند.

وزارت کار می بایست طبق استانداردهای بین المللی کار؛ انتخاب نمایندگان را به خودشان واگذار کرده و از فعالیت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ممانعت بعمل نیآورده تا سه جانبه گرایی به بهترین شکل ممکن صورت بگیرد.

جمعی از کارگران هفت تپه

۵- خبری از نیشکر هفت تپه!

امروز ۳۱ شهریور تجمع کارگران نی بر قدیمی شرکت جلوی مدیریت شرکت شکل گرفت. این کارگران که بصورت فصلی در گذشته مشغول بکار بودند و در حال حاضر حدود ۱۰۰ نفر هستند چند سالیست که بنابر توافق با کارفرما سرکار حاضر نمی شوند اما حقوق دریافت می کنند و بیمه آنها در فصل تابستان نیز پرداخت می شود.

تجمع صبح امروز آنها به خاطر معوفات مزدی و بستن قرارداد جدید طبق روال سالهای گذشته بود. عدم حضور مدیریت شرکت و عوامل آن جهت تعیین تکلیف آنها باعث عصبانیت کارگران شده و به دلیل گرمای هوا در سالن اجتماعات تجمع را تا پایان وقت اداری ادامه دادند.

لازم به ذکر است این افراد نیروهای غیر بومی هستند که برخی بیش از ۲۵ سال است در شرکت مشغول بکار هستند که بدلیل نوع کار یعنی فصلی بودن شرایط بازنشستگی ندارند.

۶- هفت تپه و ماجراهای آن؟

به گزارش رسیده صبح امروز ۹ مهرماه ساعت ۱۰ صبح حدود ۱۵ نفر روحانی طلبه جوان درب شرکت نیشکر تجمع کرده و قصد ورود به شرکت را جهت حمایت از کارگران را داشتند که با مجوز مقامات قضایی و حراست شرکت و نیروی انتظامی و تعدادی از پرسنل سپاه مانع ورودشان به شرکت شدند. این افراد از روحانیون درون استان خوزستان بودند و ظاهراً از شهرستان اهواز آمده بودند.

چندی قبل آیت الله کعبی در خصوص خلع ید مالکیت کنونی بخش خصوصی شرکت نیشکر؛ خواستار واگذاری این شرکت به قرارگاه خاتم الانبیا یا یکی از شرکتهای زیر مجموعه مجلس خبرگان رهبری شده بود و احتمالاً در حمایت از این موضوع این طلاب وارد عرصه شده تا شاید با کمک کارگران بتوانند این پروسه را به سرانجام برسانند. لازم به ذکر است آخرین مدیرعامل دولتی شرکت نیشکر قبل از واگذاری علی کاظمی داماد آیت اله کعبی بودند.

در بیمارستان مدنی کرج چه خبر است؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت کارگران خدماتی بیمارستان مدنی کرج به هیچوجه رضایت بخش نیست. این کارگران ۴ ماه حقوق نگرفته و لیست بیمه آنان دو ماه است رد نشده است. این وضعیت در قسمت پخش غذا افتضاح تر می باشد. در این قسمت می باید ۳۱ کارگر خدمات رسانی کنند که فقط ۹ نفر مشغول کارند. در شهریورماه نیز ۳ کارگر از کار در این قسمت به دلیل عقب افتادن حقوق شان به ناگزیر رفته اند. البته لازم به ذکر است که کیفیت غذای ارائه شده به بیماران در چند ماهه گذشته بسیار نزول کرده است.

با اینکه اداره بهداشت قبلن به این پیمانکار و بیمارستان مدنی در مورد کم بودن کارگران در این قسمت هشدار و تذکر داده است ولی هم اداره بهداشت و هم

اداره کار و ریاست بیمارستان بر این خلاف آشکار چشم فرو بر بسته اند. ۹ کارگر خدماتی پخش غذا باید جور ۱۲ کارگری که حضور ندارند را بکشند و پیمانکار بی انصاف حتا با این شرایط هم از پرداخت حقوق به موقع کارگران طفره می رود.

نامه ای از یک کارگر پروژه ای!

من عسلویه کار می کنم فاز ۲۰-۲۱. حقوقمان ۴ ماه و بیمه هم ۴ ماه عقب افتاده است. دو روز قبل از محرم تصمیم به اعتصاب گرفتیم و اعتصاب کردیم. کارفرما گفت یه هفته مهلت بدهید پولتان را پرداخت می کنیم. ما هم یک هفته مهلت دادیم اما بعد از یک هفته اخراجمان کردند. الان هم در خوابگاه هستیم. یک بار در کمپ بهارستان و در فاز رو بستیم. پلیس امنیت وارد شد و قول داد فردا تا پس فردا پولمان پرداخت بشود. اما امروز آمده و می گوید بروید خانه هایتان وگرنه فردا همه را دستگیر می کنم.

آیا پلیس امنیت حق همچین برخوردی را با کسی که حقش رو می خواهد دارد؟ آیا واقعا پلیس ما طرف حقه یا طرف آنهایی که می گویند حق با بالا دستی هاست. منظورم اینه که وقتی پلیس جامعه فاسد باشد جامعه دیگه بجز فساد چیزی درش رشد نمی کند.

امضا محفوظ



کارگران آذربایجان دوباره به خیابان آمدند!

امروز ۱۳ شهریور کارگران آذربایجان دوباره به خیابان آمدند. در پی اعتراضات پیشین کارگران آذربایجان در سال‌های گذشته و با وجود اینکه صبح امروز (ساعت ۸ و نیم) معاونت سیاسی امنیتی استانداری، پلیس امنیت و فرماندار در آمفی تئاتر شرکت آذربایجان سعی در جلوگیری از اعتراضات کارگران داشتند، کارگران آذربایجان به خیابان آمدند.

آنها خواستار لغو خصوصی‌سازی شرکت و پرداخت به موقع دستمزدها می‌باشند. آنان می‌گویند: به اختلاس کم‌بشده مشکل ما حل‌میشه! آنان با پهن کردن سفره‌ای خالی اعتراض خود را به زندگی ۴ برابر زیر خط فقر تحمیلی اعلام کردند.

روزگار کارمندان پست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا روزگار کارمندان پست شعبه میدان ولی عصر بسیار اسفناک است. در ابتدای سال کارمندان با قراردادهایی روبرو شدند که سفید امضا بود و در آن نوشته شده است که سنوات سال ۱۳۹۸ را دریافت داشته اند. این قراردادها سه ماهه بوده و اگر کارمندی تن به خواسته های اداره پست و حجم سنگین کار بدهد قراردادش تمدید خواهد شد.

در اوایل سال بابا پستی ها بابت نگرفتن سنوات سال ۱۳۹۷ دست به اعتصاب زدند که همگی این کارمندان را که بیش از ۴۰ نفر بودند پس از تسویه اخراج نمودند.

این درحالی است که از سه ماهه دوم بازهم اداره پست اقدام به گران کردن ۱۰۰ درصدی هزینه پست کرده است.

◆ هدف کارگر، بهبود استاندارد زندگی خود است و یکی از راه های اصلی که ممکن است این امر تحقق یابد، از طریق افزایش واقعی دستمزد است. هدف کارفرما رساندن افزایش سود خود به حداکثر است.

کارگر و کارفرما، در ورود به یک رابطه در دوره تولید، اهداف متضادی دارند و از آن جهت که کارگر مزد خود را از کارفرما می گیرد و کارفرما سودش را از نیروی کار کارگر می گیرد، یک درگیری همیشگی بین آن ها وجود دارد... کارفرمایان وجود ارتش بی کاران را بیشتر ترجیح می دهند، چرا که بتوانند با استفاده از تهدید به اخراج دستمزدها را پائین نگه دارند.

◆ کانال دانش و کارگر ◆

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

پیام بازنشسته فولاد خوزستان



ما بازنشستگان فولاد خوزستان در امر درمان مشکلات زیادی داریم. یکی از این موارد در ارتباط با مراجعه به مراکز درمانی بیمه شرکت فولاد در تهران است. بطور مثال در تهران مراکز زیادی از جمله کلینیکها و مراکزسی تی اسکن و غیره وجود دارد که طرف قرارداد فولاد هستند. چنانچه خواهیم از این مراکز استفاده کنیم ابتدا باید از اهواز معرفی نامه جهت درمانگاه فولاد تهران بگیریم بعد به درمانگاه تهران مراجعه کنیم و جهت آن مرکز یک معرفی نامه دیگر بگیریم. با توجه سختی این روند اکثرا از خیر آن گذشته و از جیب خرج می کنیم. با توجه به شرایط اقتصادی کاش می شد ترتیبی اتخاذ کرد تا بتوانیم راحت تر از این مراکز استفاده کرد. خواهشمندم با انعکاس شرایط فوق از طریق کانون بازنشستگان و مدیریت بهداشت و درمان فولاد خوزستان این مورد پیگیری شود.

با تشکر بازنشسته فولاد خوزستان

امضا محفوظ

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- رانندگان شرکت واحد در انتظار دریافت دو سال معوقات لباس فرم خود هستند

درحالی که شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هر سال می بایست دو دست لباس فرم به رانندگان بدهد اما لباس فرم رانندگان از ابتدای سال ۹۷ تاکنون داده نشده است. با این وجود مدیریت ناکارآمد شرکت واحد به رانندگان برای پوشیدن لباس فرم فشار می آورد. درحالی لباس فرم رانندگان داده نشده است که عدم پوشیدن لباس فرم برابر آئین نامه انضباطی شرکت واحد قصور راننده محسوب می شود و راننده را به دلیل نپوشیدن لباس فرم تنبیه انضباطی می کنند. لباس فرم رانندگان سالیانه شامل دو دست پیراهن و شلوار، کمر بند، یک جفت جوراب، یک جفت کفش و کاپشن برای فصل سرما می باشد.

یکی از درخواست های رانندگان در جریان اعتصابات و اعتراضات سال ۸۴ دریافت لباس فرم بود که با سازماندهی خود در سندیکا، رانندگان موفق شدند لباس فرم دریافت کنند. با توجه به اینکه از آن سال به بعد لباس فرم به رانندگان داده شده است مطابق قانون کار و مقررات مربوطه جزء مزایای مستمر محسوب می شود و کارفرما نمی تواند خودسرانه دادن لباس فرم رانندگان را قطع و یا از میزان داده شده کسر کند. در حالی که حسن سعیدی و سید رسولطالب مقدم از اعضای سندیکا حق خود و دیگر کارگران را فریاد زده اند اما دستگاه قضایی در هماهنگی با نهادهای امنیتی با آسمان و ریسمان

کردن برای این دو عضو سندیکا پرونده سازی کرده و برای آنها حکم سنگین شلاق زندان تبعید و محرومیت از فعالیت های کارگری و اجتماعی صادر کرده است تا به خیال خود کارگران را مرعوب و از پیگیری حقوق خود منصرف کند.

۲- عدم ارائه سرویس مناسب به کارگران اعزامی به شهر مشهد

سفر سیاحتی و زیارتی هر دو سال یک بار، از مزایای شغلی برای کارگران شرکت واحد است که می‌بایست با هزینه کارفرما برای کارگران مهیا گردد. اما به مرور مدیریت فاصله بین سفرها را بیش از دو سال کرده است همچنین از کیفیت آن کاسته است علاوه بر این در گذشته، امکان مسافرت با اتوبوس مناسب و ارزان قیمت برای کارگران فراهم بود اما در سال‌های اخیر این مورد وجود ندارد.

بنابر گزارش‌ها در هتل "جواد الامه" شهر مشهد که برای اسکان بخشی از کارگران استفاده می‌شود خدمات برای مسافران در حد هتل نیست. به دلیل کم بودن فضای پارکینگ هر مسافری که خودرو خود را بخواهد در پارکینگ هتل قرار دهد دیگر امکان خروج خودرو از پارکینگ تا پایان سفر مقدور نیست و باید بدون خودرو شخصی خود در شهر تردد کند. این هتل رستوران ندارد و مسافران باید برای صرف ناهار و شام به رستوران دیگری که فاصله‌اش با هتل زیاد است بروند. لوازم هتل نظیر مبیل و کف پوش‌ها بسیار فرسوده هستند و نظافت عمومی هتل بسیار ضعیف است.

شرکت واحد هتل "جوادالامه" را خریداری کرده و مدیریت آن به عهده شرکت واحد است. البته با هتل پارس در این شهر نیز قرارداد بسته شده که بخشی از کارکنان شرکت واحد در آن هتل اقامت می‌کنند و خدمات بهتری در آنجا ارائه می‌گردد. اما در این هتل مدیران و نورچشمی‌ها اسکان می‌یابند.

شرکت واحد از سال ۸۵ امکان سفر برای کارگران در شهرهای بیشتری نظیر کیش، شهرهای شمال کشور و مشهد رو فراهم کرده است. اما پیش از سال ۸۵ این سفرها فقط برای شهر مشهد بود و شرکت واحد تنها برای کارگران اتوبوس رفت و آمد در اختیار می‌گذارد و هزینه اقامت در مشهد با خود کارگران بود و اتوبوس‌ها هم شرایط مطلوب نداشتند. اعزام کارگران به سفرهای سیاحتی به شکل امروز آن یکی از خواسته‌های سندیکا در اعتراضات و اعتصابات سال ۸۴ بود که با همراهی و مشارکت خود کارگران در اعتراضات و اعتصابات به دست آمد و برای تداوم آن به شکل مطلوب نیاز است که کارگران هوشیارانه مراقبت کنند و در صورت اخلال در انجام آن واکنش اعتراضی مطلوب داشته باشند.

برای برقراری و حفظ دستاوردها و مزایای پرداختی به کارگران افراد متعددی تا بحال برای سال‌ها اخراج از کار و یا زندانی شده‌اند و در حال حاضر آقایان حسن سعیدی و سیدرسول طالب مقدم از سوی دادگاه انقلاب به زندان و تبعید و شلاق محکوم شده‌اند و حمایت‌های کارگران از این عزیزان می‌تواند مانع از اجرای این احکام گردد.

◆ کارگر در ازای دریافت مزد، نیروی کارش را به کارفرما می‌فروشد .

" نیروی کار" شامل توانایی فیزیکی جهت کار و مهارت‌های فنی است که کارگر در دوره آموزش و تجربه کسب کرده است. به‌همان شیوه‌ای که کالاهای دیگر برای فروش در بازار ارائه شده‌اند، کارگر در ارائه نیروی کار خود برای فروش، بدان‌وسیله در نتیجه قدرت خود را به کار در یک کالا تبدیل می‌کند.

◆ کانال دانش و کارگر ◆ بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

چرا در مبارزات صنفی اخلاق و منطق را فراموش کردیم!؟

قابل توجه همکاران محترم نیشکر هفت تپه و کسانی که اخبار شرکت نیشکر را دنبال می کنند:

دوستان و همکاران گرامی، چند سالی است که به دلایل مختلف دست به تجمع اعتراضی زده و پس از تجمع افرادی خود خوانده به خود اجازه می دهند که تریبون بدست گرفته و شروع به موعظه کنند. اکثر این افراد نه با قانون آشنایی دارند و جایگاه حقوقی دارند و نه از نظر شخصیت حقیقی دارای شخصیت لازم جهت آگاهی بخشی به کارگروه هستند. از آن بدتر پای منبر این افراد کسانی نشسته اند که نمی دانند معضل به نتیجه نرسیدن اعتصابات بحث های انحرافی این افراد است و بالطبع هر دو طرف در جهت اهداف کارفرما یعنی به انحراف رفتن خواسته و هدف اصلی اعتصاب؛ ناخواسته عمل می کنند.

معمولا تجمعات ما در چند سال اخیر به تسویه حساب های شخصی و تهمت زدن به یکدیگر تبدیل شده است و انگ های بی پایه و اساس و سندی را نثار همدیگر می کنیم و به جای تقابل کارگر و کارفرما به مبارزه کارگر با کارگر می پردازیم !!! و این عین خودزنی و کارفرما شاد کن است.

آیا به تجمعاتی که در این چند سال داشتیم فکر کردید؟ چرا اینقدر هزینه پرداخت و پرونده قضایی تولید می کنیم ولی به حداقل ترین نتیجه مثبت که افزایش مزایا و حقوق است نمی رسیم؟ چرا این معضل را آسیب شناسی ریشه ای نمی کنیم!؟ تا کی باید به تحریک برخی کانالهای مجهول الادمین تحریک شده و بدون اطلاع و تحقیق به همکاران خود که شناختی دقیق از شخصیت آنها نداریم تهمت بزنیم !!!؟ چقدر این کانالها بجای ترویج نفاق؛ نفرت و چند دستگی و تهمت، در آگاهی بخشی به کارگر مفید بودند؟ چقدر در پر رنگ کردن سفره کارگر نقش داشته و کدام نکته قانونی و راهکار اساسی را جهت رسیدن به هدف ارائه دادند!؟!

چرا به خود اجازه می دهیم افرادی ما را به بازی بگیرند که تاکنون دستاوردی برای کارگر نداشتند!!؟ چرا باندبازی را به جای عقل گرایی حاکم کردیم مگر غیر از این است که برخی بدنبال امتیازگیری خاصند، نه عام!!!

دوستان مشکل ما فقط مدیران شرکت نیستند که به عناوین مختلف و به تحریک برخی افراد مغرض به آنها حمله می کنیم. ما اگر در مسیر صحیح و اصولی همراه با همدلی و عقلانیت حرکت کنیم و افراد آگاه را که دنبال قهرمان بازی و خودنمایی و ماجراجویی نیستند به عنوان وکیل خود انتخاب کنیم هیچ وقت دچار این سردرگمی و بی اعتمادی موجود قرار نمی گرفتیم.

شرایط کنونی صنفی و معیشتی ما صرف نظر از پایمال کردن حقوق کارگر توسط دولت و کارفرما، بخش اعظم آن نتیجه روش غلط مبارزاتی ماست و بزرگترین حریف ما، در ناکارآمدی های اخیر، آشنا نبودن ما به اصول مبارزاتی است که لازم است در نگرش خود اصلاحاتی اصولی ایجاد کنیم.

زنده باد عقلانیت و آگاهی و هوشیاری

فریدون نیکوفر دبیر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سبد معیشتی خانوار چیست؟

◆ اقلام پرمصرف برای یک خانواده کارگری، از قبیل خوراک (مواد پروتئینی، حبوبات، غلات، میوه و...)، پوشاک (برای یک خانواده چهار نفره)، مسکن و سایر اقلام ضروری پرمصرف که مایحتاج روزانه کارگران را تشکیل می دهد، سبد معیشتی خانوار می نامند.

◆ کانال دانش و کارگر ◆ بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

فصل نامه امید، نشریه بازنشستگان فلزکارمکانیک در ایران بصورت چاپی منتشر شد!

امید

شماره ۲
نشریه بازنشستگان فلزکار-مکانیک
تابستان ۱۳۹۸

فصلنامه امید شماره ۲ نشریه بازنشستگان فلزکارمکانیک در ایران بصورت چاپی منتشر شد. در این شماره می خوانیم:

— وزیر رفاه و معاونش علیه مزدبگیران

— عدم وصول صدها هزار میلیاردی از دولت

— اهداف مشترک باز نشستگان تامین اجتماعی لشگری و کشوری

— بازنشستگی در استرالیا

— چرا با خصوصی سازی مخالفم

— نانمان را خودمان بپزیم

— حقوق ماهیانه باز نشستگی چگونه محاسبه می شود

نگرانی عمیق کارگران از واگذاری بانک رفاه در بورس



گزارش: نسرين هزاره مقدم - ايلنا

هرگاه کفگیر منابع دلاری، ارزی و ریالی دولت‌ها به ته‌دیگ می‌خورد، یاد واگذاری اموال کارگران به بخش خصوصی می‌افتند؛ دولت‌های پس از جنگ همواره یکی از راهکارهای جبران کسری بودجه را خصوصی‌سازی اموال کارگران دانسته‌اند.

در ابتدای تابستان امسال، خبرها نشان می‌دادند که رئیس‌جمهور به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی وقت داده که تا پایان شهریور ماه سهام بانک رفاه کارگران را در بورس عرضه کند. این در حالی است که سازمان تامین اجتماعی از مجلس شورای اسلامی خواست تا با تصویب طرحی، بانک رفاه را از شمول اصل ۴۴ قانون اساسی خارج کند.

اما مدتی بعد ۲۵ تیرماه، در روز تامین اجتماعی «محمدعلی همتی» عضو هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی به ایلنا اطلاع داد که کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به مستثناسازی بانک رفاه کارگران از واگذاری رای داده است. وی اظهار امیدواری کرد که این طرح در صحن مجلس رای بیاورد. در همین اثنا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی اعلام کرد که دلیلی برای مستثنا شدن بانک رفاه از واگذاری در بورس وجود ندارد.

فعالان کارگری معتقدند بانکی که با سرمایه‌گذاری کارگران و تامین اجتماعی به وجود آمده، بخشی از مایملک طبقه کارگر است و کارکرد نهادی آن باید ایجاد و گسترش سرمایه مالی برای رفاه طبقه کارگر ایران باشد.

تاریخچه ایجاد بانک رفاه کارگران

بانک رفاه کارگران در جهت اجرای تبصره ماده ۳۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۸ کشور و ماده ۳۸ سازمان بیمه‌های اجتماعی به منظور سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه بیمه کارگران با هدف کمک به تامین رفاه و ایجاد تسهیلات لازم برای رفع نیازمندی‌های طبقه کارگر در تاریخ ۲۷/۵/۱۳۳۹ تشکیل و به ثبت رسید و عملیات خود را از ششم فروردین ۱۳۴۰ با افتتاح شعبه مرکزی در تهران و شعبه اصفهان آغاز کرد. سرمایه اولیه این بانک چهار صد میلیون ریال و از سوی سازمان تامین اجتماعی تامین شد.

مازیار گیلانی‌نژاد (فعال کارگری فلزکار) در ارتباط با تاریخچه بانک رفاه و اهداف اولیه آن می‌گوید: «یکی از شاهکارهای تشکلهای کارگری، پیشنهاد تاسیس بانک رفاه کارگران بود. این طرح که توسط انجمن اجرا و اصلاح قانون کار به فعالان کارگری پیشنهاد شده بود، با استقبال کارگران روبرو شد. در نهایت در سال ۱۳۳۸، با مشاوره‌هایی که انجمن طرفداران اجرا و اصلاح قانون کار که متشکل از محمد پروین گنابادی و مهندس ارداقی از دستداران طبقه کارگر و جمعی از فعالان طبقه کارگر تشکیل شده بود، موضوع تاسیس بانکی برای کارگران را طرح و به میان کارگران برده شد. در جلسات بعدی این انجمن، گروه‌های کارگری به این نتیجه رسیدند که نام بانک از تعاون به بانک کارگران تغییر یابد. با مراجعه طراحان کارگری بانک کارگران به آقای نیکپور ناظر تامین اجتماعی، او نیز از این طرح استقبال و اعلام همکاری کرد. با همکاری و همفکری کارگران، طوماری تهیه و خواستار تاسیس بانکی برای رفاه حال کارگران شدند؛ متن طومار با مضمون زیر نوشته شده بود: «با توجه به موقعیت کارگران ایران، کارگران ایرانی خواهان تاسیس بانکی جهت رفع مشکلات مالی خود هستند.»

او ادامه می‌دهد: در آن زمان، دوندگی‌های بسیاری برای جمع‌آوری امضاهای این طومار توسط فعالین کارگری آغاز شد که شب و روز را از این کارگران پیشرو گرفته بود. جمع‌آوری امضا از کارگرانی که در نانوائی‌ها و کارگاه‌های کوچک تراشکاری و مکانیکی و کارگران چلوکبابی‌ها به صورت پراکنده در تهران کار می‌کردند، بسیار مشکل بود. برای جمع‌آوری امضاهای این طومار توسط فعالان کارگری، وقت بسیاری گذاشته شد.

تشکل‌های کارگری آن زمان از جمله سندیکای کارگران دخانیات، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، سندیکای کارگران روغن نباتی قو، سندیکای کارگران چلوکبابی‌ها و کارگران سندیکای کوره‌پزخانه‌ها در جمع‌آوری امضا و پیشبرد طرح نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند.

همچنین فعالان کارگری آن زمان مانند ابوتراب فیضی، تقی اسماعیلی، علی امید، علی باقری، حسن امید، محمد فرهنگ، علی مخبریان نجات محمد اسماعیلی، سیدحسن درکه، حمزه جهان زمین و احمد مردادی و بسیاری دیگر در تلاش برای ایجاد این بانک، نقش بسزایی داشتند.

به گفته‌ی گیلانی‌نژاد، این بانک در آن زمان، در خدمت طبقه کارگر بود: «از کارهای مهم این بانک که مخصوص کارگران تاسیس شده بود، وام دهی برای ساخت خانه به کارگران، دادن وام در شب عید برای کمک معاش به کارگران و دادن وام ازدواج برای فرزندان کارگران بود. فعالان کارگری پس از اخذ درخواست وام کارگران، آنها را جمع‌آوری نموده، به بانک رفاه برده، کارهای اداری‌اش را انجام داده و پس از طی مراحل قانونی، وام به کارگران پرداخت می‌شد. تا سال ۱۳۵۲، بیشتر کارگران شرکت واحد و کارگران کارخانه‌های تولیدی از این طریق صاحب خانه شدند. این بانک حتی به صورت سیار هم وام می‌داد.

به طور مثال مدیریت کارخانه ایران ناسیونال و کارخانه ارج از ورود فعالان کارگری به کارخانه جلوگیری می‌کردند. به همین خاطر این کارگران با هماهنگی بانک رفاه کارگران و آوردن نماینده بانک به همراه خود، بایستادن در مقابل درب ورودی کارخانه به هنگام خروج کارگران با آنان صحبت کرده و درخواست وام‌شان را دریافت و به بانک تحویل می‌دادند. این فعالیت‌ها به دلیل استفاده کارگران از وام‌های بانک بود از سوی دیگر، گردش مالی بانک، افزایش می‌یافت.»

امروز بانک رفاه باید چگونه عمل کند؟

حال با گذشت ۶۰ سال از تاسیس، بانک رفاه با بهره‌مندی از ۹۸۳۵ نیروی انسانی و در اختیار داشتن ۱۰۳۵ شعبه فعال در سراسر کشور باید بتواند گامی در جهت تحقق مطالبات معیشتی و زیستی طبقه کارگر بردارد و از نظر تامین سرمایه، کمک‌حال این طبقه‌ی دچار بحران معیشت باشد.

همان اهدافی که در سال‌های اول برای این بانک تعریف شده بود - تلاش برای خانه‌دار کردن کارگران و ارائه کمک‌هزینه‌های مختلف به آنها- هنوز هم معنادار است؛ کافیسیت به برنامه پیشنهادی گروه کارگری شورای عالی کار برای افزایش قدرت خرید کارگران مراجعه کنیم.

در روزهای گذشته، گروه کارگری شورای عالی کار در پیشنهادات مکتوبی که به دبیرخانه شورای عالی کار ارائه دادند، یک نقش مثبت برای بانک رفاه تعریف کردند؛ آنها در بیان نقش حاکمیتی دولت در تامین «مسکن ارزان برای کارگران» از طریق تعاونی‌های دموکراتیک کارگری، جایگاه بانک رفاه را به عنوان بانک سرمایه‌گذار عامل، بازتعریف کردند: تامین اعتبارات لازم از سوی بانک عامل همچون بانک رفاه کارگران (به دلیل تعلق این بانک به کارگران) به میزان ۹۰ درصد نیاز ساخت و احداث مسکن و فروش برگه سهام معادل ۱۰ درصد قیمت برآورد شده مسکن تحویلی به کارگران متقاضی مسکن.

در این شرایط، می‌توان انتظار داشت که با پیگیری کارگران و با حمایت نمایندگان مجلس، دولت که قصد درآمدزایی و پول‌آفرینی از سرمایه‌های تاریخی کارگران را دارد، عقب بنشیند و از طرف دیگر، بانک رفاه به جایگاهی که پیش از این در مقام تامین کننده سرمایه‌های زیستی کارگران داشته، بازگردد.

امروز وضعیت، پارادوکسیکال و نگران‌کننده است؛ از یک طرف از منتفی شدن واگذاری سهام بانک رفاه در کمیسیون اقتصادی مجلس خبر می‌رسد و از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌های مجلس، بانک رفاه را خارج از شمول اصل ۴۴ نمی‌داند! این، همان روندی است که در سال ۹۱ و در دولت احمدی‌نژاد هم طی شد و ماه‌ها دله‌ره و نگرانی برای کارگران به همراه داشت؛ در این شرایط، یک سوال کلیدی مطرح است: حتی اگر این بار هم به نتیجه نرسند، آیا قرار است در بحران اقتصادی بعدی، باز هم سراغ «بانک رفاه» بیایند و مدعی شوند که اصل ۴۴ قانون اساسی، در رابطه با همه اموال ملت، بدون استثنا لازم‌الاجراست؟!

فروش اموال کارگران ممنوع است و کارگران با هر مقامی که دست به این کار بزند برخورد خواهند کرد.

بازگشایی مدارس را تبریک نمی‌گوییم؛ به هفت دلیل!

۱ - بچه های ما با دنیایی از انرژی وارد مدرسه می شوند و نظام آموزشی در طول سال های تحصیل، از آن کودکان سرزنده، کنجکاو، پرسشگر، پرنشاط و پر امید، افرادی عمدتن سرکوب شده، بی تفاوت، کم رمق و ناامید می سازد. ورودی های اول دبستان و خروجی های سال آخر دبیرستان را با هم مقایسه کنید!

۲ - در مدارس ما، انبوهی از دانستنی ها به خورد بچه ها می دهند که قریب به اتفاق شان اساسن به درد نمی خورد. خواندن و نوشتن و تسلط نسبی بر روی چهار عمل اصلی ریاضی، مهمترین دستاورد ۱۲ سال عمر بی بازگشت بچه های ماست و حال آن که همه این ها را می توان در مدت کوتاه تری هم آموخت. الگوریتم، معادله ها، نام باکتری ها و تعداد پاهای شپش و... در زندگی ما هیچگاه به کار نیامد و به زندگی کودکان مان نیز غنایی نخواهد بخشید.

بچه های ما ۱۲ سال از کودکی و نوجوانی شان در مدارس سپری می کنند بی آن که خودباوری، کنترل خشم، کار گروهی، حل مسأله، مدیریت زمان، اقتصاد فردی، اعتماد به نفس، تنظیم روابط اجتماعی، حقوق شهروندی، سواد رسانه ای، نحوه غذا خوردن، مراقبت از سلامتی جسمانی و ... را یاد بگیرند.

آنها حتا بعد از سال ها نشستن در کلاس های زبان انگلیسی و عربی، از خواندن یک متن روزنامه ای معمولی هم به این زبان ها عاجزند.

آیا این اتلاف همه جانبه عمر و هزینه، تبریک دارد؟!

۳ - بچه های ما مجبورند برخلاف ساعت بیولوژیک شان صبح های زود از خواب بیدار شوند و درست در ساعاتی که باید به اقتضای سن شان در خواب

ناز باشند، با خواب آلودگی به مدرسه بروند و بدن شان دچار کمبود خواب مزمن شود.

۴ - بچه های ما مجبورند، کیف های سنگین مدرسه را که بیش از حد استاندارد بر ستون فقرات شان فشار وارد می کند بر دوش بکشند و مستعد دردهای پا و کمر در بزرگسالی شوند.

۵ - بچه های ما به ویژه در سال های اولیه دوره ابتدایی، از بازی ها، فضاها، موقعیت ها و رفتارهای مناسب کودکی محروم می شوند و به جای کودکی، درگیر مشق و رقابت و استرس امتحان و دیر شدن مدرسه و ... می شوند.

۶ - بچه های ما در مدارس درس می خوانند که به تفاوت هایشان اهمیتی داده نمی شود؛ برای نظام آموزشی ما مهم نیست که کدام دانش آموز در ریاضی استعداد دارد و کدام در ادبیات؟ کدام شان مستعد تبدیل شدن به یک ورزشکار بزرگ است و کدام شان در علوم انسانی یا هنر نقاشی آتیه دارد؟

همه را به یک چوب می رانند و همه را با یک متر و محک می سنجند.

۷ - اگر قرار است آغاز سال تحصیلی را تبریک بگوییم باید به موسسات کنکور و کمک آموزشی تبریک گفت که از صدقه سر میلیون ها دانش آموز و خانواده هایشان، درآمدهای میلیاردی دارند و نیز به صداوسیما که قراردادهای میلیاردی با این مؤسسات می بندد و حساب هایش را پر می کند. پس چرا باید به دانش آموزان و خانواده های آنان تبریک گفت که قرار است چاه نفت مؤسسات باشند !

تحصیل رایگان چیست ؟

بند هایی از تحصیل رایگان : ۱- داشتن فضای آموزشی مدرن و استاندارد

۲- تامین لوازم تحریر و کلیه وسایل آموزشی به دانش آموزان به صورت رایگان ۳- استفاده از یک وعده غذای گرم با هزینه دولت در محیط آموزشی به دانش آموزان ۴- به روز بودن کتاب های درسی هم راستا با پیشرفت های علمی جهان ۵- داشتن سرویس های مناسب و ایمن و استاندارد برای رفت و برگشت کودکان ۶- برگزاری اردوهای علمی، تفریحی و همچنین تامین امکانات مناسب ورزشی برای دانش آموزان با هزینه دولت ۷- استفاده از تجهیزات مدرن و پیشرفته آموزش سمعی و بصری برای دانش آموزان ۸- تامین مراکز بهداشتی، مشاوره ای و پزشکی برای وضعیت جسمی و روحی دانش آموزان ۹- نظر سنجی دوره ای از دانش آموزان به منظور آموزش و مدیریت آموزشی بهتر در مدارس ۱۰- آموزش به زبان های قوم ها

دفاع از تحصیل رایگان یکی از جرم های معلمان در بند " عیدی، بهشتی، حبیبی و رحمتی " است که حکم ؛ قرون وسطایی شلاق برایشان صادر شده است .

نه به، شلاق به پشت معلم

معلم زندانی آزاد باید گردد

تحصیل رایگان اجرا باید گردد

در انتخابات کانون بازنشستگان تهران چه گذشت؟

روز یکشنبه ۱۰ شهریور ساعت ۹ صبح در سالن نگین خیابان آزادی - اول خیابان جیحون انتخابات کانون بازنشستگان تامین اجتماعی برگزار شد. قبل از ورود به حیاط و سالن کانون افرادی که معلوم بود از قبل برای این کار گماشته شده اند عکس چاپ شده سه تن از بازرسیین مورد نظر خانه کارگر را به مراجعه کنندگان داده و به آنان گوشزد می کردند که به این افراد رای بدهند. این در حالی بود که وقت تبلیغات تمام شده بود و ناظرین وزارت کار و کانون بر این خلاف چشم بسته بودند.

پس از آنکه آقای حسن صادقی با زد و بند به عنوان رییس سنی جلسه انتخاب شد به مهندسی کردن انتخابات اقدام کرد. ایشان بنابر پیشه همیشگی خود از گزارش مالی آقای روح بخش به بهانه وقت نداریم جلوگیری کرده و زمانی هم که آقای دهقان کیا در مورد فروش کارخانه های شستا صحبت کرد صادقی حرفش را قطع کرده گفت کوتاهش کن. از معرفی و اعلام برنامه های کاندیداها به بهانه اینکه وقت کم است اجازه صحبت کردن نمی داد که با اعتراض بخشی از بازنشستگان روبرو شد و مجبور گردید به خانم ام کلثوم پوری کیاده اجازه صحبت دهد. خانم کیاده در معرفی خود اعلام کرد کسانی باید به عنوان بازرس انتخاب شوند که جسارت و سواد کافی برای بررسی موضوعات مطروحه در کانون داشته باشند. ایشان اعلام کرد که حسابرس بوده و برای بازرسی در مورد مسایل مالی کانون کاندید مناسبی هستند. سپس اسماعیل صادقی دیگر کاندید مستقل بسیار کوتاه عنوان کرد که برنامه اش گزارش شفاف مسایل مالی کانون خواهد بود. سپس انتخابات آغاز شد. همان افرادی که عکس های چاپ شده را به بازنشستگان تحمیل می کردند حالا برای رای نویسی هم جلو افتاده برای بازنشستگان برگه های رای را پر می کردند به این ترتیب بازرسیین همسو با هیات مدیره انتخاب شدند و فقط آقای اسماعیل صادقی با ۱۸۸ رای بازرس اول علی البدل، حسین غلامی با ۱۸۶ نفر دوم شدند. خانم کیاده هم با ۱۶۰ رای نتوانست به جمع علی البدل ها بپیوندد.

در این انتخابات کمتر از ۱۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند آیین در حالی است که کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران بیش از ۴۰ هزار عضو دارد که نشان از بی خاصیت بودن کانون دارد. آنچه به چشم می خورد عدم هماهنگی لازم بین بازنشستگان مستقل از خانه کارگر بود. و در مقابل خانه کارگری ها با مهندسی کردن انتخابات بازرسین همسو با خود را به جمع تحمیل کردند.

امید که تا سال آینده هماهنگی بیشتری بین اتحاد سراسری بازنشستگان، بازنشستگان فلزکار مکانیک، بازنشستگان بافنده سوزنی و بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی صورت گیرد تا در انتخابات هیات مدیره کانون بتوان آرا را بصورت متمرکز و سازماندهی شده به صندوق ها ریخت و این جز باگفتگوهای متقابل و همکاری میدانی صورت نخواهد پذیرفت.

هیات تحریریه پیام سندیکا

خاکستر نشینان آتش فراموشی

امروز هفتم مهر روز آتش‌نشانی است، روزی که دشمن در سال ۵۷ پالایشگاه آبادان را بمباران کرد و آتش‌نشانان برای اطفای حریق خود را به پالایشگاه رساندند، اما هواپیماهای دشمن در بمباران دوم بسیاری از آتش‌نشانان را به خاک و خون کشید... .

این روز در سال ۱۳۷۹ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور به نام روز آتش‌نشانی و ایمنی در ایران نامگذاری شد. با این حال «آتش‌نشان» و «آتش‌نشانی» اگرچه واژه جدیدی در ادبیات و تقویم کشور ما نیست، اما این واژه برای بسیاری از مردم ما بیشتر از ۳۰ دی ۹۵ به بعد، بعد از آنکه پلاسکو در آتش سوخت معنا و مفهوم جدیدی یافت. معنا و مفهومی که بیش از هر چیزی معنی ایثار، رشادت و از خودگذشتگی را در اذهان تداعی می‌کند.

ضرورت تامین مسکن برای بازنشستگان کارگری چه طرح‌هایی روی میز است؟

«مسکن» تبدیل به مهم‌ترین دغدغه خانوارهای کارگری شده است که علیرغم فقدان بانک اطلاعاتی شفاف در مورد نحوه سکونت خانوارهای مزدبگیر، شکی نیست که درصد زیادی از این خانوارها در خانه‌های اجاره‌ای به سر می‌برند و نگران آینده‌ای هستند که با مهاجرت اجباری به مناطق ارزان‌تر و طبیعتاً با حاشیه‌نشینی گره خورده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مدتهاست که تامین هزینه‌های «سبد معاش خانوار» از عهده کارگران و بازنشستگان خارج شده است؛ در حالی نرخ کمینه‌ی سبد معاش خانوار در شهریور ماه به ۷ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان رسیده است که کارگران حداقل بگیر به زحمت ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و مستمری بگیران حداقلی ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان دریافتی دارند. در این اوضاع طبیعتاً خانوارهای کارگری مهم‌ترین تمرکز را در هزینه کرد حقوق دریافتی خود روی «سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» می‌گذارند؛ تامین هزینه‌ی سفره‌های خانوار، اولویتی‌ست که به هیچ وجه نمی‌توان از سر و ته آن زد یا با قیچی کردن آن، سراغ باقی مولفه‌های سبد معاش از جمله «مسکن» رفت. در این بین، «مسکن» تبدیل به مهم‌ترین دغدغه خانوارهای کارگری شده است که علیرغم فقدان بانک اطلاعاتی شفاف در مورد نحوه سکونت خانوارهای مزدبگیر، شکی نیست که درصد زیادی از این خانوارها در خانه‌های اجاره‌ای به سر می‌برند و نگران آینده‌ای هستند که با مهاجرت اجباری به مناطق ارزان‌تر و طبیعتاً با حاشیه‌نشینی گره خورده است.

بازنشستگان در اولویت هستند

دغدغه مسکن در حالی نسبت به گذشته پررنگ‌تر شده که شانه خالی کردن‌های دولت از زیر بار وظایف حاکمیتی خود نسبت به گذشته، نمود

پررنگتری دارد؛ در تیرماه سال جاری، وزیر مسکن در مصاحبه‌ای گفت: «دولت از اول در بحث اجاره و مسکن مردم دخالت نکرده و از لحاظ حقوقی نیز این کار را نمی‌کند. ما نمی‌توانیم برای اجاره بهای مسکن اشخاص سقف تعیین کنیم. سقف اجاره بها و قیمت مسکن در بازار از ضوابط و شرایطی تبعیت می‌کند که در بازار است»

این درحالی است که در سال ۹۸، نرخ اجاره‌ای که در مجموع گزارش شده، حکایت از افزایش ۲۵ تا ۴۰ درصدی در سراسر کشور دارد. با این حساب نگرانی کارگران شاغل و بازنشسته‌ای که اجاره‌نشین هستند، روز به روز پررنگ تر می‌شود. در این میان، وضعیت بازنشستگان اجاره‌نشین به مراتب بغرنج‌تر است چراکه کارگران بازنشسته بعد از سی سال کار که غالباً در محیط‌های کارگری با شرایط سنگین سپری شده است، دیگر در دوران بازنشستگی توان جسمی و ذهنی لازم برای اشتغال مجدد را ندارند و نمی‌توانند از پس افزایش نامتعارف اجاره خانه بر بیایند؛ از سوی دیگر، به دلیل اینکه درآمد بازنشستگان ثابت و بالطبع فاقد مولفه‌هایی مانند «اضافه‌کاری» یا «حق ماموریت» است، این گروه از مزدگیران هیچ محلی برای تامین کاستی‌های درآمدی خود سراغ ندارند و دقیقاً همین ویژگی‌های خاص، «تامین مسکن ارزان و شایسته برای بازنشستگان» را تبدیل به یک ضرورت غیرقابل انکار می‌کند.

قانون چه می‌گوید؟

بر اساس اسناد بالادستی و آمرانه، «مسکن شایسته» حق همه شهروندان است و اولویت با گروه‌هایی است که آسیب‌پذیری بیشتری دارند. اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

فصل هشتم قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز به خدمات رفاهی از جمله مسکن اختصاص دارد؛ در ماده ۱۴۹ قانون کار، قانونگذار الزامات مشخصی را در جهت برخورداری از مسکن، تعریف کرده است:

ماده ۱۴۹. کارفرمایان مکلفند با تعاونی‌های مسکن و در صورت عدم وجود این تعاونی‌ها مستقیماً با کارگران فاقد مسکن جهت تأمین خانه‌های شخصی مناسب همکاری لازم را بنمایند و همچنین کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه و یا محل مناسب دیگر می‌باشند. تبصره ۱: دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های ذیربط همکاری لازم را بنماید.

اجرای ماده ۱۴۹ یک ضرورت است

ماده ۱۴۹ به صراحت دولت را مکلف می‌سازد با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارد از جمله تسهیل پرداخت وام‌های کم بهره به تعاونی‌های مسکن، بهره‌گیری از امکانات وزارت مسکن و شهرسازی از جمله زمین‌هایی که در اختیار این وزارتخانه است و همچنین همه امکانات و توانمندی‌های مالی و اجرایی شهرداری‌ها، به کمک تعاونی‌های مسکن کارگری بیاید و راه را برای خانه دار شدن کارگران و بازنشستگان هموار سازد.

با این حساب آیا بازنشسته‌ای که در نهایت ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان یا با اغماض ۲ میلیون تومان در هر ماه دریافتی دارد، می‌تواند بدون اینکه دولت به تعهداتش در زمینه مسکن عمل کند، خودش راساً «سرپناه شایسته» فراهم آورد؛ از هر طرف که به این سوال نگاه کنیم، پاسخ قطعاً منفی است.

نوشته هزاره مقدم خبرنگار ایننا

ماناست راهت، دختر آبی سرزمینم!



دختر آبی (سحر خدایاری) با رویای آزادی از میان ما رفت. اما مسوولیت پیگیری آرزویش بر شانه های ما همچنان باقی است.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران درگذشت این پیگیر آزادی را به هموطنان و خانواده اش تسلیت می گوید.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۹ شهریور ۱۳۹۸

ورزش حق کارگران است!



گزارشی از بازی دوستانه تیم فوتسال سندیکای ساوه با تیم فوتسال شرکت دارو سازی تهران شیمی:

این بازی در تاریخ ۱۳ شهریور با دعوت تیم تهران شیمی و با میزبانی آنها در سالن ورزشی کارخانه شن سالی ساوه برگزار شد که نتیجه با مساوی ۲-۲ به اتمام رسید. نکات مهم این بازی که علاوه بر دوستی و رفاقت بین کارگران گردید آشنایی کارگران با وجود تیم سندیکا بود. پلا کارد سندیکا همانطور که در عکس مشهود است در ورودی سالن نصب گردید و کاملاً قابل مشاهده بود. کارگران ورزشکار به محض ورود به سالن سوال می کردند که تیم فوتسال سندیکا کی تشکیل شده و اساساً سندیکای فلزکارمکانیک چه اهدافی دارد که توضیح داده شد. این بازیها نتایج زیر را به همراه دارد:

۱- رفاقت و دوستی و صمیمیت بین کارگران. ۲- برقراری یک بازی ورزشی و ایجاد نشاط و سلامتی برای کارگران. ۳- آشنایی کارگران ساوه با سندیکای فلزکارمکانیک. ۴- آگاهی کارگران از وجود سندیکایی کارگری. ۵- ایجاد اتحاد بیشتر بین اعضا تیم سندیکا.

از کارِ کارگران کاخ ساختن و...

از کنار هر پروژه ی ساختمانی در حال احداثی که عبور می کنید یک تابلوی زرد رنگ می بینید که نام مالک و مجری و مهندس را نوشته است. این تابلوی زرد را شناسنامه ی ساختمان می نامند. شناسنامه ی مالکین. شناسنامه ی صاحبان شهر. این شناسنامه ی زرد رنگ برای این است که حواس تان به بی شناسنامه ها جلب نشود. به کارگران ساختمانی که جز دستهای پینه بسته و کمر خمیده دارایی دیگری ندارند. پشت این تابلوها سازنده گان واقعی شهر هستند. کارگران ساختمانی که در راه ساخت و ساز و آباد کردن شهر درون چاه خفه می شوند، از ارتفاع به پایین سقوط می کنند، دچار برق گرفتگی می شوند، آجر روی سرشان می افتد و سیمان به اعماق ریه هایشان نفوذ می کند. صدها تن از این کارگران ساختمانی در طول سال کشته می شوند و صدها از آنها دچار نقص عضو می گردند. اما قرار نیست کسی آنها را ببیند. آنهایی که سر چهارراهها انتظار رسیدن وانت جوجه مهندس ها را می کشند و ما هر روز صبح از کنار آنها درست مانند تعدادی درخت خشک و بی اهمیت عبور می کنیم. مدل موهایشان را مسخره می کنیم. به سبک لباس پوشیدن شان پوزخند می زنیم و " جک و جواد " می خوانیم شان. و نمی دانیم که آنها شهر را می سازند بی آنکه هیچ سهمی از این شهر لعنتی ببرند. بی آنکه حتی یک تخت و یک اتاق گرم برای استراحت شبانه داشته باشند. ما چطور می توانیم به آبادانی شهرهایمان و نوساز شدن خانه هایمان مفتخر باشیم بی آنکه بدانیم خشت به خشت و رج به رج اثری دارد از خون دست و پای کارگران ساختمانی. از اشکهای شان در دوری از خانواده و از عرق تابستانی و پوست ترک خورده ی زمستانی. باید یک اسپری سرخ برداشت و جلوی نام مجری طرح نوشت: " بچه کارگری از پایین شهر و یا از روستاها .

◆ کانال دانش و کارگر ◆ بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

وقتی سهم زنان از تامین اجتماعی به «هیچ» می‌رسد!

گرچه اصل ۲۹ قانون اساسی، برخورداری از تامین اجتماعی را به صراحت، حق یک یک افراد کشور می‌داند اما در بین این یک یک شهروندان کشور، حدود ۲ میلیون زن از این «حق»، نصیبشان فقط یک «هیچ» است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در سال‌های گذشته، جدا شدن بخش عظیمی از بدنه زنان متعلق به طبقات مختلف از کلیشه سنتی و رایج «زن خانه‌دار» و ورود به عرضه فعالیت‌های اقتصادی، به دنبال تغییر الگوهای درآمد-هزینه در جامعه، تغییرات بسیاری در الگوهای مرسوم اشتغال خانوار به وجود آورده است. این تغییرات، زنان بسیاری را به نان‌آور یا کمک‌نان‌آور خانوارهای ایرانی بدل کرده است؛ تغییر «زیست زنانه» از بررسی تغییرات آماری نیز به خوبی مشخص است. براساس اطلاعات منتشر شده از سوی دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، تعداد کل بیمه‌شدگان فعال سازمان تامین اجتماعی تا پایان سال گذشته ۱۳ میلیون و ۳۰۱ هزار و ۱۳۳ نفر است که ۸۰ درصد بیمه‌شدگان را مردان و ۲۰ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دهند. ترکیب جنسیتی بیمه‌شدگان جدیدالورود این سازمان در سال ۹۷ نیز حدود ۶۷ درصد مرد و ۳۳ درصد زن بوده است. بنابراین در سال ۹۷، ۲۰ درصد بیمه‌شدگان تامین اجتماعی را زنان تشکیل داده‌اند؛ این آمار نشان می‌دهد که ۲۰ درصد شاغلان در اقتصاد رسمی و تحت پوشش حمایت‌های اجتماعی را زنان تشکیل می‌دهند. سازمان تامین اجتماعی در اردیبهشت ۹۷ اعلام کرد: طبق آخرین آمارها، سهم زنان از جامعه تحت پوشش این سازمان رو به افزایش است به طوری که درصد زنان بیمه شده از ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

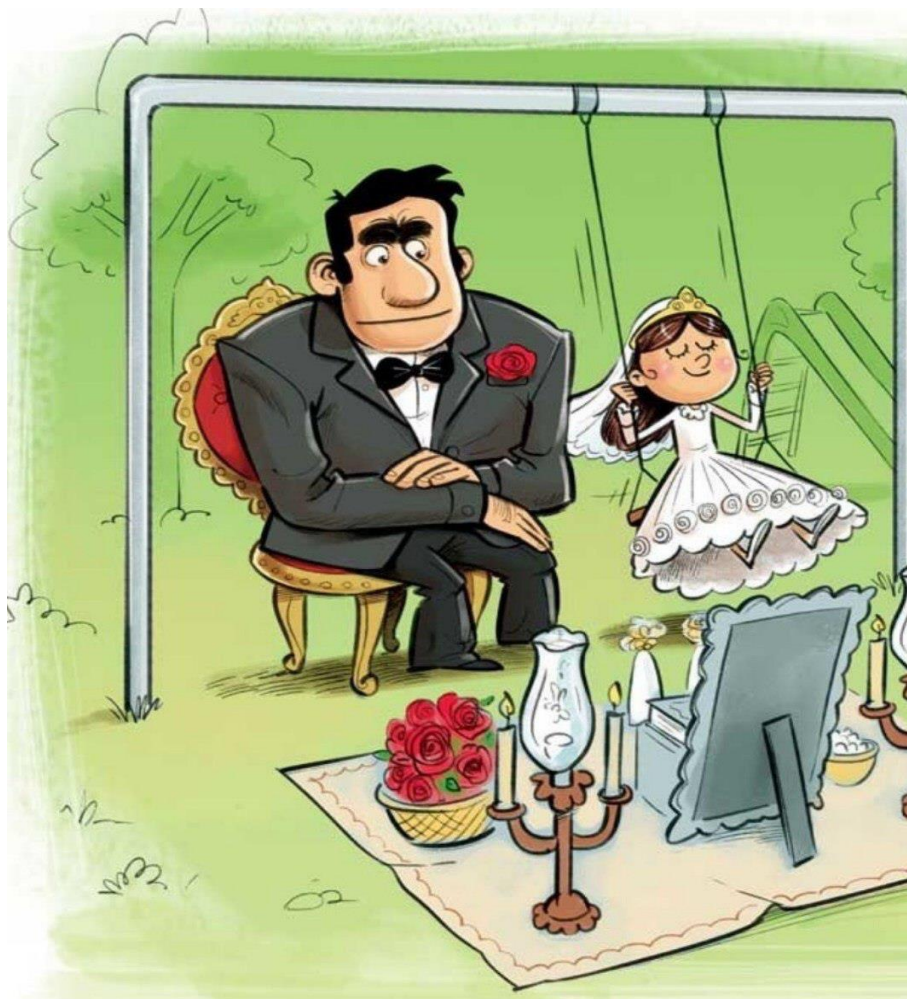
این آمارها نشان می‌دهد که سهم زنان از بیمه‌شدگی اجباری یا همان اشتغال رسمی در بخش خصوصی، بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ افزایش داشته

است؛ این سهم در طول بیش از ده سال، از ۱۲ درصد به بیش از ۲۰ درصد رسیده است؛ البته علاوه بر افزایش نرخ مشارکت رسمی زنان در اقتصاد، عامل دیگری که باعث بالا رفتن سهم زنان از پوشش تامین اجتماعی شده، بیمه‌هایی است که مختص زنان تعریف شده است؛ براساس اطلاعات ارایه شده از سوی دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی این سازمان، طی سال‌های ۸۵ تا ۹۵ برخی انواع بیمه‌ها تنها برای زنان ایجاد شده است. در سال ۱۳۸۸ بیمه زنان خانهدار و در سال ۱۳۹۰ بیمه‌های زنان سرپرست خانوار و مربیان مهدهای کودک، تحت پوشش بیمه مشاغل آزاد قرار گرفت که تا پایان سال ۹۵، این بیمه‌شدگان حدود ۱۰ درصد از بیمه‌شدگان زن را تشکیل می‌دهند. یکی دیگر از دلایل افزایش درصد نسبی زنان در گستره جمعیتی تحت پوشش تامین اجتماعی، بیمه‌شدگان خاص هستند که درصد بالایی از آنها را زنان تشکیل می‌دهند. برای نمونه، بافندگان یکی از اقشار تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی هستند که به صورت بیمه شده خاص از خدمات این سازمان استفاده می‌کنند؛ بیشترین سهم زنان در بیمه خاص مربوط به بیمه بافندگان است که زنان ۸۰ درصد بیمه‌شدگان بافنده را تشکیل می‌دهند.

برخورداری از بیمه تامین اجتماعی برای زنان که به نسبت آسیب پذیری بیشتری در مقابل بحران‌های ناشی از بیماری، پیری و از کارافتادگی دارند، به معنای «امنیت زیستی» بالاتر برای زنان و بهبود کیفیت زندگی آنها است.

نگرانی اصلی بابت زنانی است که در اقتصاد غیررسمی مشغول به کار هستند؛ این زنان نه جزو هیچ کدام از گروه‌های بیمه‌ای خاص هستند که دولت سهم کارفرما را برای آنان پردازد و نه خودشان، توان پرداخت حق بیمه خویش‌فرما را دارند؛ این زنان به هیچوجه شانس بیمه شدن ندارند.

گزارشی از نسرین هزاره مقدم خبرنگار اینلنا



گزارشی از يك آمار ترسناك!... فقط در سال ۹۶ و براساس گفته‌های رییس ثبت‌احوال استان کهگیلویه و بویراحمد، در این استان ۹ دختر زیر ۱۰ سال و ۴۵۸ دختر زیر ۱۵ سال ازدواج کردند. از ۹۱ تا ۹۵، هم در ایران ۹۷۷ دختر زیر ۱۰ سال و حدود ۱۹۸ هزار دختر زیر ۱۴ سال ازدواج کردند.

اخلاق کارگری من!

از اخلاق قرن نوزدهمی مارکسیست می پرهیزم، که شاید به روایت دیگران بود و نه ما! یک سبک اخلاقی کانتی مدنظرم است. برای ما، انسان وسیله نیست **(قانون اول)** یعنی، غایت و هدف است. از، سپیده ی بزرگ تا، هکی ام، به کاربرد و پراکسیس اجتماعی شان. برای ما کاربرد جنسی زن بورژوایی نکوهیده است، زن ما هدف اخلاق است، فاقد هر وجه جنسی و ابزاری و مبتنی بر ابعاد "انسانی" اش! و همین طور هر انسان آزاده ی دیگر.

ما چنان رفتار می کنیم که عمل مان به مثابه قانون اجتماعی باشد **(قانون دوم)**

ما با اعتصاب و اعتراض، علیه بی عدالتی می کوشیم. یکپارچه در برابر اجتماع، همین دختر آبی هستیم، این قانون مسجل ماست. ...

از کنفسیوس وام گرفتیم که هر آنچه بر خود نمی پسندیم برای دیگران هم نمی پسندیم **(قانون سوم)**

بر سر در معبد "دلف" هم منقش بود این کلام، مطالبه ی کاهش فاصله ی طبقاتی از همین سوست، به قول بودا: "تا کسی در فقر است، ما سعادتمند نیستیم"؛ همین وجه واپسین اخلاق ماست. ما از فرد منطبق بر نیازهای جمعی نمی گذریم، ما جان می دهیم برای آزادی و ما دربندیم به سان اسماعیل بخشی و رفقا یمان در هپکو!

سرمایه داری!

آماده باش که وجه اصیل انسان در دستان ماست!

ش.ص.زاهدی

فردا را می گیریم، فقط با همین!



شلغم بخور

تا توانی ای برادر کم بخور	روز و شب را یک عدد شلغم بخور
ای برادر، می خوری خون جگر	تا غذا یک کاسه باشد بیشتر
زانکه با این نرخ ها و مزد کم	کی توان پُر کرد جایی از شکم؟
کی توان خوردن به جز باد هوا	لحظه ای با اشکنه کردن صفا؟
جز به زاغه کی توان مسکن نمود	دربه روی آرزوی خود گشود؟
ای توشرمنده ز فرزند و عیال	وی به چنگال گرانی پایمال
فاش می گویم که در این رهگذر	با همه کار و تلاش بیشتر
کس ز آسایش نگردد بهره ور	جز خداوندان آز و زور و زر

علی جعفری (کارگر)

چه غم انگیز خواهد بود

باور مفراط استبداد

در بدعتی جدید

و ساعتهایی

از کف رفته

و زخمی، به اندازه تمام جهالت و جمودیت

و فریادهایی

بریده بریده بر پهنه ی سکوتی مرگزا

در شبی نا آرام

و در روزی غبار آلود

(نگار)

(آزادی سندیکاهای)

◆ ماده ۱- هر یک از کشورهای عضو سازمان بین المللی کار که این مقاولة نامه در باره آنها لازم الاجرا است، متعهد به اجرای مقررات زیر است.

◆ ماده ۲- کارگران و کارفرمایان بدون هیچ گونه تبعیضی می توانند آزادانه و بدون اجازه قبلی، سازمانهای خود را تشکیل دهند یا به سازمانهای موجود بپیوندند، به شرط آنکه اساسنامه های مصوب را رعایت کنند.

چرا با خصوصی سازی مخالفم!

کارگر فولاد : من می خواهم تولید کنم. با بذل و بخشش اموال بوجود آمده توسط من و امثال من به اطرافیان حاکمان مخالفم. این یک اختلاس است که من تولید کنم و نفعش را فقط دیگران ببرند. با خصوصی سازی مخالفم.

معلم : مدارس را که خصوصی کردند. عده ای پولدار تعلیم می بینند و عده ای با نداشتن پول نمی توانند آموزش کافی ببینند. همین باعث می شود پولداران در موقعیت بهتر و فقرا بازهم در مرتبه پایین تری قرار بگیرند. این امر باعث تداوم و باز تولید بی عدالتی می شود، بی عدالتی هم یعنی بیکاری، فقر، فساد و بدبختی بیشتر ... پس از خصوصی کردن بیزارم.

کارگر اتوبوسرانی : وقتی اتوبوسرانی خصوصی شود، صاحبان آن سعی می کنند خرج کمتر و دخل بیشتری داشته باشند. لاستیک های فرسوده، ماشین ترمز بریده و راننده ی خسته عواقب بدی را رقم می زند که دیدیم. پس با خصوصی کردن مخالفم.

پرستار: وقتی اختیار سلامتی فرد افتاد دست فرد، مرده را می برند اتاق عمل و بیرون می آورند و پول عمل انجام نشده را از فامیلش می گیرند. اصلن با روح پزشکی در تناقض است. استفاده از ابزارآلات بی کیفیت، قناعت در به کار بردن وسایل مورد نیاز، بازی با جان انسان ها و کاهش شخصیت انسانی در قبال پول. اول پول بعد عمل و غیره صدها گرفتاری دیگر در پی خواهد داشت، چه نیازی است که سرنوشت سلامتی جامعه را به خطر بیندازیم. در حالی که همه امکانات فراهم شده به وسیله جامعه بوده. با خصوصی سازی مخالفم.

دانشجو: منابع زیادی است که برای جامعه تولید ثروت می کند، این ثروت متعلق به همه مردم است. من هم که اینجا درس می خوانم برای خدمت کردن

در جامعه است. چه نیازی است که من به سختی از پدرم که ندارد بگیرم و به حساب اشخاصی که نه ایشان را دیده ام و نه بده و بستانی داشته ام واریز کنم. امکاناتی که متعلق به جامعه است آنقدر است که من هم بتوانم درس بخوانم. دانشگاه‌ها باید ملی شده و تجمیع گردند و به جای هزینه کردن های کم بازده آنها را صحیح مدیریت بکنند.

بازنشسته: بیش از سی سال زحمت کشیدم برای جامعه، حال که نوبت آموزش بچه من است یا نوبت کار بچه من است. باید پول بدهد و یا برده کارفرما و نماینده صاحب ملک شود. اصلن برای من قابل قبول نیست. جامعه توان و وظیفه دارد که امکانات برای بچه های من فراهم کند. اگر صاحب منصبان که حامی صاحبان ملک های واگذار شده از طرف خودشان با برنامه ریزی به نفع خودشان و شرکایشان که همان صاحبان صنایع و معادن و غیره ی واگذار شده هستند، عمل نکنند. طولی نخواهد کشید که به خواری عزل و به دست عدالت جامعه خواهیم سپرد.

برگرفته از نشریه امید شماره ۲، نشریه باز نشستگان فلزکارمکانیک

چگونگی دریافت سوابق بیمه‌ای تامین اجتماعی:

◆ بیمه شدگان می‌توانند با شماره‌گیری #۱۴۲* (ستاره ۱۴۲ مربع) با سیمکارت همراه اول

◆ #۱۴۲۰ (ستاره *۱۴۲۰ مربع) با سیمکارت ایرانسل و رایتل، سوابق بیمه‌ای خود را مشاهده کنند.

◆ **کانال دانش و کارگر** ◆ بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

یک بار از دانش آموزی پرسیدم کار و بار بابات چگونه؟ در مزیقه نیستید؟

سرخ شد و بغض گلویش را گرفت. نگاهی پرسشگرانه کردم. چی شد پسر؟

خیلی یواش گفت: آقا پدرم کارگر شهرداری است. آشغال جمع می کند. همیشه یک جایی از بدنش درد می کند. بعضی وقتها هم دلهره دارد که اخراج خواهد شد و تا صبح نمی خوابد. آرام قطره اشکی از چشمان معصوم دانش آموزم بر روی میزم چکید.

پرسیدم میشه یک روز بابات بیاد مدرسه؟ خیلی دوست دارم ببینمش؟ چندین بار خواهش کردم و یادداشت دادم، بالاخره در یک شیفت بعدازظهر آمد. خیلی خوش صحبت، خنده رو و با معرفت بود و عاشق کارش. او صحبت می کرد و سفارش پسرش را می کرد که سوم راهنمایی را تمام می کند باید چه رشته ای را بخواند و...

ولی من در فکر اجرای نقشه ام بودم. زنگ خورده بود و ۱۵۰۰ شاگرد صف بسته بودند که راهی کلاس شوند. به بهانه خدا حافظی همراهش تا بالای پله های حیاط آمدم. به محض رسیدن نزد میکروفن و ناظم، باصدایی که به گوش بچه ها برسد گفتم: آقای... من واقعا از دیدارت لذت بردم و خیلی چیزها یاد گرفتم و ای کاش همه انسانها از شماها الگو بردارند و... از این نوع حرفها. بعد در حالی که دستهای قاچ شده اش را در دستانم داشتم غافلگیرش کرده و خم شده از دستانش بوسیدم. نگو که اکثر بچه ها متوجه اوضاع هستند. یکی از آن دور گفت به افتخار آقای... مدرسه از صدای کف بچه ها منفجر شد نمی دانم برای من کف زدند یا به آن عزیز زحمتکش، و یا برای هر دو. بعد از آن روز بود که شادی و طراوت را در چهره ان محصلم می دیدم و خوشحال می شدم

نوشته (حسن کافی)

پویش #ته_سیگارت_را_با_خودت_ببر



یادآوری می‌کنیم طبق تحقیقات کارشناسان:

* هر یک ته سیگار یک مترمربع از خاک رو سمی می‌کند

* اگر یک فیلتر سیگار یا همان ته سیگار را به مدت ۴ روز در یک لیتر آب قرار بگیرد سم آن برای کشتن هر نوع ماهی آب شیرین یا شور کافی ست

* مواد سمی ته سیگار عامل مرگ پرندگان، آبزیان، درختان و حشرات هستند

* فیلترسیگار تجزیه ناپذیر است.

* فیلتر سیگار علاوه بر نیکوتین، دارای ارسینک و فلزات سمی دیگر مثل سرب، مس و کروم می‌باشد.

متأسفانه ته سیگار ها علاوه بر رها شدن در پارک ها و خیابانها و رودخانه، در مخازن تصفیه خانه ها هم راه پیدا کرده که به هیچوجه تصفیه نمی‌شوند.

پویش #ته_سیگارت_را_با_خودت_ببر



در تاریخ ۱۲ شهریور یکی از اعضای پویش در پارک مکعب مهرشهر کرج با انبوهی از ته سیگار مواجه شد و اقدام به جمع آوری نمود. دو روز بعد در جمع گروه کوهنوردان فلزکار وابسته به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران این موضوع را بیان کرده و جمع از این حرکت استقبال کرد. در اولین جلسه گروه کوهنوردان فلزکار این موضوع بررسی و سازماندهی اولیه شد.

روز پنجشنبه ۲۱ شهریور در دیداری به دعوت نماینده گروه کوهنوردان فلزکار با سمن های قائمشهری به میزبانی انجمن دوستداران دماوند برگزار شد. در این جلسه موضوع و راهکارهای همکاری بررسی گردید. در این جلسه سمن های زیر شرکت داشتند:

- ۱- انجمن دوستداران دماوند به نماینده گی آقای یزدانی
- ۲- انجمن یاریگران قائمشهر به نماینده گی آقای عادلین
- ۳- انجمن توسعه پایدار قائمشهر به نماینده گی آقای امیدوار

۴- انجمن خیریه منشاء قائمشهر به نماینده گی آقای حسین زاده

۵- انجمن دانشجویی طبیعت آرام دانشگاه علوم پزشکی ساری به نماینده گی خانم ناصری

۶- پویش سه شنبه های بدون خودرو قائمشهر به نماینده گی آقای معیل

۷- مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ساوه آقای زرگریان

۸- گروه کوهنوردان فلزکار به نماینده گی آقای گیلانی نژاد

پس از اتمام جلسه این سمن ها حمایت خود را از پویش #ته_سیگارت_را_با_خودت_ببر اعلام نمودند. همچنین در روز ۲۴ شهریور انجمن کوهنوردان ایران نیز به این پویش پیوست



هر سه شنبه روز پاکسازی محیط زیست از ته سیگار اعلام شده است. به ما بپیوندید!

چرا سندیکاهای کارگری با نئولیبرالیسم مخالفند؟ (۱)

◆ زمانی که کشوری در حال رشد، دست به اقداماتی همچون ملی کردن بانکها، صنایع، بازرگانی خارجی، زمین... زده و تلاش می کند دستمزد کارگران بهبود یابد و از زنجیره اقتصادی سرمایه داری بیرون بیاید، کشورهای سرمایه داری به ویژه صندوق بین المللی پول سرمایه گذاری در آن کشور را متوقف کرده، دست به تحریم خرید محصولاتش می زند و از فروش هرگونه تکنولوژی، غذا و دارو خودداری کرده و کلیه ذخایر ارزی که در بانک های کشورهای خارجی دارد را بلوکه می کنند تا پولی برای خرید و بازسازی کشور نداشته باشند.

◆ با شیوه تحریم و عدم سرمایه گذاری و بلوکه کردن ذخایر ارزی کشورها، آنها را وادار به تسلیم در مقابل کشورهای امپریالیستی کرده و دستورات صندوق بین المللی پول می کنند، که به آن بهره کشی نو استعماری و یا نئولیبرالیسم می گویند.

پس از جنگ با عراق و از سال ۱۳۶۸ رویکرد مجموعه حاکمیت ایران بر این قرار گرفت تا خود را از تحریم های اعمال شده نجات دهند به همین دلیل با سازمان تجارت جهانی تماس گرفته و برای رفع تحریم ها قبول نمودند دستورات صندوق بین المللی پول را جهت گرفتن وام اجرا کنند تا سرمایه گذاری انجام گیرد و تحریم ها شکسته شوند.

◆ کانال دانش و کارگر ◆

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران از آغاز تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱۲)

اختناق ۲۵ ساله، که در آن طبقه کارگر ایران و نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه زیر ضربه قرار گرفتند، از همین جا پدید آمد. سال های طولانی ترور پلیسی محمدرضا شاهی علیه جنبش سندیکایی در ایران از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در عمل همان تجربه دوران رضاخانی در سرکوب جنبش سندیکایی واتحادیه ای، منتها در مقیاسی بس عظیم تر و وحشتناک تر و طولانی تر بکار گرفته شد. تفاوتی که این دوران با آن دوران داشت این بود که جای رضاخان قزاق را محمدرضا شاه فراری از کشور، و جای استعمار پیر را استعمار تازه نفس آمریکا گرفت که در عمل نشان داد که در غارت ثروت ایران، استقرار دیکتاتوری و تحمیل رژیم تضییق و اختناق به مردم ایران، دست پسر عموی انگلیسی خود را از پشت می بندد. ایجاد سازمان جهنمی ساواک و شبکه وسیع زندانهای مخوف، تبدیل ارتش و دیگر نیروهای مسلح به ارگانهای سرکوب، دست زدن به عوام فریبی ها و تشکیل سازمانهای قلبی کارگری و احزاب دولتی، همه و همه تلاش در این جهت بود که طبقه کارگر ایران به عنوان یک طبقه متشکل، نیرومند و آگاه از صحنه سیاست ایران محو شود و رژیم برده داری معاصر که در آن انسانها مورد استثمار و غارت قرار می گیرند، بر جامعه ایران مستولی شود. یعنی آنچه که نهایت آمال و آرزوی دربار خود فروخته پهلوی، مرتجعین داخلی و اربابان استعمارگر آنان، به ویژه آمریکا بود.

مبارزات پیگیر و مداوم طبقه کارگر ایران طی ۲۵ سال تسلط رژیم دیکتاتوری پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که به شکل اعتراضات سیاسی، اعتصابات خرد کننده و تظاهرات عظیمی که علیرغم قربانی های بی شمار ادامه یافت، نشان داد که طبقه کارگر ایران را نمی توان از پا در آورد؛ همانطور که چرخ تاریخ را نمی توان از حرکت بازداشت. در میان اعتصابات عمده کارگری در فاصله سال های ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۷ میتوان به موارد زیر اشاره کرد: اعتصابات در صنایع نفت در سال های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹، اعتصاب ۱۲

هزار راننده تاکسی در فروردین سال ۱۳۳۷، اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کوره پزخانه های تهران در خرداد سال ۱۳۳۸، اعتصابات کارگران نساجی در سال ۱۳۳۸، اعتصابات در صنایع نفت و صنایع نساجی و نانوبی ها در سال ۱۳۴۰ که تظاهرات ۳ هزار کارگر بیکار در بندر معشور (ماهشهر) را شامل می گردید. اعتصاب مجدد ۲۵ هزار کارگر کوره پزخانه در سال ۱۳۴۱، اعتصابات کوتاه مدت کارگران راه آهن و نفت در سال ۱۳۴۲، اعتصاب ۱۶ هزار تاکسیران در آذر سال ۱۳۴۳، اعتصاب کارگران معدن در سال ۱۳۴۴، اعتصاب کارگران کارخانه های نساجی و ۱۳ هزار کارگر آبادان در سال ۱۳۴۷، اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در ۵ اسفند سال ۱۳۴۸، اعتصابات پی در پی در سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲، بویژه تظاهرات خونین کارگران جهان چیت، اعتصاب ۴۰ روزه کارگران نفت آبادان در سال ۱۳۵۳، اعتصاب کارگران ایران ناسیونال در سال ۱۳۵۴، اعتصاب در صنایع نساجی، ذغال سنگ و نفت در سال ۱۳۵۵، اعتصابهای بیشمار کارگران در همه رشته ها در سال ۱۳۵۶ و بالاخره اعتصابات عظیم سرنوشت ساز در سال ۱۳۵۷. همین ذکر فهرست وار اعتصابات کارگری طی سالهای کودتا نشان میدهد که طبقه کارگر ایران علاوه بر ادامه مبارزات اعتصابی خود در سخت ترین شرایط پلیسی، نقش واقعی و مهمی نیز در تدارک انقلاب برعهده داشته است. طبقه کارگر ایران و به ویژه کارگران صنایع نفت نه تنها نقش مهمی را در تکوین و تدارک انقلاب انجام داد، بلکه در مراحل نهایی، ایفای نقش نیروی ضربتی انقلاب را بر عهده گرفت. این نقش تاریخی و سرنوشت ساز در شرایطی انجام شد که طبقه کارگر ایران به دلیل سرکوب و ترور ۲۵ ساله رژیم وابسته پهلوی از امکان مناسب سازمان یابی در تشکلهای مستقل کارگری محروم بود. اما آنچه رخ داد نشان از تضاد همیشگی کار و سرمایه بود. طبقه کارگر و رهبرانی که در سندیکاهای اندک مستقل کارگری گرد آمده بودند و همچنین رهبران سندیکای کارگران نفت با باز شدن فضای سیاسی توانستند مهر و نشان خود را به انقلاب بزنند. از ملی کردن صنایع و بانک ها تا انتخاب آگاهانه وزیر نفت، محمد تندگویان به دولت لیبرالی آقای بازرگان. طبقه کارگر از توازن قوایی برخوردار شد که توانست در قانون اساسی فصل حقوق ملت را به حاکمان وقت تحمیل کند.

پیدایش حیات، ظهور و تکامل انسان (۳۶)

□ ♦ اصل و نسب انسان

✓ نباید فراموش کنیم که بین انسان و میمون‌ها تفاوت‌های زیادی وجود دارد. مانند شکل ظاهری، ساختمان اسکلت، وزن مغز، استعداد انسان در فکر کردن، تکلم و زندگی اجتماعی انسان. برای این تفاوت‌ها است که نباید فکر کنیم که نژاد انسان مستقیم از میمون‌ها به وجود آمده و اشتباه است که بگوییم انسان از میمون است. نباید بگوییم که داروین گفته است انسان از نژاد میمون است. بلکه گفته است ژیبون، گوریل، اورانگ اوتان و شامپانزه با انسان‌های اولیه خویشاوندی دارند. یعنی بین انسان و میمون‌های آدم نما اجداد مشترکی وجود داشته است. این اجداد مشترک مانند ساقه درختی است که شاخه‌هایی دارد که شاخه‌هایی از آن‌ها در مراحل تکامل باقی مانده و میمون‌های آدم‌نمای امروزی هستند. شاخه دیگر تکامل زیادی حاصل کرده و از آن جوانه‌هایی به وجود آمده است که شکوفه‌های آن نژاد انسان است که به صورت طایفه‌های مجزا پدیدار گشته‌اند

✓ بیش تر دانشمندان تابع این نظر هستند که انسان پتیک آنتروپ با اجداد انسان جد مشترکی داشته‌اند. در این زمان اجداد انسان تکامل حاصل کرده‌اند و خیلی از نظر تکامل به جلو رفته‌اند اما تکامل انسان پتیک آنتروپ متوقف شده است. اجداد انسان بعد از چند میلیون سال نسبت به حیوانات دیگر خیلی تکامل حاصل کرده است. در نتیجه گذراندن این مراحل تکامل تدریجی در زمان‌های بعد آدم سین آنتروپ یا انسان چین پیدا شده و بالاخره آدم هایدلبرگ و انسان نئاندرتال ظاهر گشته است که از تکامل تدریجی آن‌ها انسان‌های کنونی یعنی هموساپینس به وجود آمدند. نخستین نژاد انسان هوموپری می‌ژینوس (یعنی نخستین نسل انسان) است که به تکامل خود ادامه داده و قدم به قدم فکرش توسعه یافته و مسیر بالاتری را طی کرده است. مغز آن‌ها آنچنان تکامل یافت که آن‌ها را هموساپینس (یعنی انسان عاقل) می‌گویند.



تحصیل رایگان، درمان رایگان، زندگی مناسب حق همه انسانهاست!



☞ IR ☞ ⚡ ☞ ⚙ ☞ ☐ ☞

مهرگان، جشن مبارزه با پلیدی و تلاش برای زندگی بهتر، با جمع آوری خرمن کاشته های خود بر همه کوشندگان راه بهروزی انسانها شادباش!

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۰ مهر ۱۳۹۸